# آموزش دین زرتشتی

## سال اول راهنمایی

از انتشارات انجمن زرتشتیان تهران

برابر برنامه های آموزش و پرورش

# درس اول
# ماه مهر و دوره تازه

گلنار و ماهرو در اولین روز ماه مهر به مدرسه می‌روند. گلنار اهورامزدا را یاد می‌کند و ماهرو یک اشم‌وهو می‌خواند، سپس هر دو سوار اتوبوس می‌شوند. ماهرو تازه نماز اشم‌وهو را یاد گرفته است. او امسال کلاس سوم دبستان را آغاز می‌کند، ولی خواهرش گلنار امسال باید دوره تازه تحصیلی را شروع کند. او به کلاس اول راهنمایی می‌رود.

**گلنار بزرگ شده است**

ماهرو به گلنار می‌گوید: «گلنار خوش به حالت تو دیگر بزرگ شده‌ای و دوره راهنمایی را آغاز می‌کنی ولی من باید چهار سال دیگر در دبستان درس بخوانم.»

گلنار می‌گوید: «ماهرو جان، تو هم بزرگ می‌شوی. هم قدت بزرگتر شده و هم دانش بیشتری به دست آورده‌ای. تو اکنون می‌توانی اشم‌وهو را بخوانی و آن را معنی کنی و می‌دانی که اشم وهو مانترای پاکی و راستی است.»

ماهرو زنگ اتوبوس را می‌زند تا در ایستگاه بعدی پیاده شوند و گلنار در دلش می‌گوید : «دوره راهنمایی دوره تازه‌ای است و من باید دوستان تازه‌ای پیدا کنم. آیا از دوستان قدیم کسی را خواهم دید؟»

**ماهرو طبیعت و داده‌های اهورایی را نیک می‌شمارد**

اول ماهرو و سپس گلنار از اتوبوس پیاده می‌شوند. آن ها باید برای رسیدن به مدرسه از یک کشتزار بزرگ که در آن هندوانه کاشته شده است بگذرند. در کنار نهرهای این کشتزار درختان انار کاشته شده که انارهای نارنجی کوچکی دارند.

ماهرو می‌گوید: «چه انار زیبایی. روانم را تازه می‌کند. درود بر همه میوه‌ها و گیاهان اهورا داده. درود بر امشاسپند امرداد که نگهبان گیاهان و میوه‌ها است.»

گلنار می‌گوید: همه پدیده‌های طبیعت و داده‌های اهورایی مقدس و سزاوار ستایش هستند. در دین زرتشتی چنین آموزش داده شده که ما بایستی از طبیعت به خوبی استفاده کنیم و آن را پاکیزه نگه داریم و با نیایش‌های خود، داده‌های اهورایی را نیک بشماریم.

ماهرو می‌گوید: گل های انار در فصل پاییز به انار شیرین و خوشمزه تبدیل می‌شوند میوه‌ها را پس از رسیدن می چینند و ما می‌توانیم از آن ها برای خوردن استفاده کنیم.

**گلنار امشاسپندان را یاد می‌کند**

گلنار می‌گوید: «امشاسپند امرداد ششمین فروزه اهورایی است. او نیروی بی‌مرگی و جاودانی است و به پدیده‌های جهان و انسان جاودانی می‌بخشد. در زندگی ما امشاسپند سپنتا آرمئیتی (اسفند) نیروی مهر و فروتنی و امشاسپند هه اروَتات (خرداد) نیروی رسایی و کمال، دو مرحله قبلی امشاسپند امرداد هستند. می‌دانی چرا؟»

ماهرو می‌گوید: «آری چون ما می‌توانیم با مهر و فروتنی به رسایی و کمال برسیم، سپس نام خود را جاویدان سازیم درست مانند اشوزرتشت که نامش و اندیشه هایش، در جهان جاویدان شده است.»

**نام و یاد «اهورامزدا» برای گلنار آرامش بخش است**

گلنار با خودش می‌گوید: «دوره تازه راهنمائی برای ما تجربه‌های جدیدی خواهد داشت که اندیشه‌های دانش‌آموزان را پیشرفت می‌دهد. اما یک نیروی درونی می‌گوید که سختی‌هایی در این راه است. آیا من می‌توانم کلاس اول راهنمایی را به خوبی به پایان برسانم؟ آیا آموزگارانم از من خوشِشان خواهد آمد تا با من مهربانی کنند یا سخت‌گیری خواهند کرد؟»

ماهرو می‌گوید: «گلنار با خودت چه فکری می‌کنی؟ بزرگ شدن و به دوره راهنمایی رفتن در این هنگام که در راه رسیدن به مدرسه هستیم، برای تو چه اندیشه‌هایی را پیش آورده است؟

گلنار می‌گوید: اندیشه‌های پاک که خیلی زیبا و جذاب هستند ولی برایم کمی هم سختی و دشواری را در بر دارند. البته یاد کردن اهورامزدا و امید به آینده بهتر به من آرامش می‌دهد و می‌توانم به سوی دوره تازه تحصیلی بروم.»

**آیا می‌دانید که :**

واژه اوستایی «امرداد»، اَمِرتات و واژه اوستایی «خرداد»، هَه اوروَه تات است.

**بیشتر بدانیم :**

امشاسپندان یا پاکان جاویدان شش تا هستند : وهمن (وهومَنَه)– اردیبهشت (اَشَه وَهیشتَه)– شهریور (خشَترَه وَایریه)– سپندارمذ (سِپَنتَه آرمیتی)- خورداد (هَه اُروَتات)- امرداد (اَمِرتات)

**خودآزمایی**

۱- نماز اشم‌وهو را بنویسید و سعی کنید معنی آن را به یاد بیاورید و یادداشت کنید.

۲- واژه «اهورامزدا» را چندبار بگویید و به یاد بیاورید که «اهورامزدا» به چه معنی است.

**پرسش :**

۱- به نظر شما گلنار در چه محیطی زندگی می‌کند؟

۲- چرا داده‌های اهورایی ستودنی و سزاوار ستایش هستند؟

۳- برای پیروز شدن بر سختی‌ها چه باید کرد؟

۴- سه امشاسپند را نام ببرید و اوستایی آن ها را نیز بگویید.

۵- مانترای پاکی و راستی چیست؟

# درس دوم

# گهنبار میدیوشهم

تابستان امسال نیز مانند هر سال همراه با خانواده سفری به یزد داشتیم تا علاوه بر رفع خستگی یک سال تحصیلی، دیداری نیز با پدر بزرگ و مادر بزرگ خود داشته باشم. بعد از چند روزی که ما در یزد بودیم مادر بزرگم گفت: «خورشید از فردا چهره گهنبار میدیو شهیم شروع می‌شود و با هم به گهنبار می‌رویم.»

**خورشید در گذشته در همه آیین ها فقط بازی می کرد**

من خیلی خوشحال شدم و یادم آمد چند سال پیش هم که به یزد آمده بودم به همراه مادر بزرگ به گهنبار رفتم و تمام مدتی که پدر، مادر و مادر بزرگم به همراه دیگران در سر سفره گهنبار مشغول اوستا خواندن بودند، من با بچه های هم سن خود بازی می‌کردم. ولی راستش امسال دیگر بزرگ شده ام و خجالت می کشیدم هنگام گهنبار و اوستا خوانی به بازی کردن مشغول باشم. از طرفی خیلی دلم می خواست مانند دیگران در آیین گهنبار شرکت کنم و چیزهایی یاد بگیرم. به همین خاطر قبل از رفتن به گهنبار دوش گرفتم و با سدره و کشتی و با لباس پاکیزه و تمیز همراه خانواده به گهنبار رفتم. وقتی وارد خانه ای شدیم که در آن گهنبار بود، دیدم همه با لباس زیبا و مرتب دور تا دور تالار منزل یعنی پسکم، مشغول اوستا خواندن و کشتی نو کردن هستند.

**خورشید موبد و اوستاخوانی را دوست دارد**

در وسط تالار سفره ای سپید پهن است، بر روی آن عکس اشوزرتشت قرار دارد. کتاب اوستا، چراغ روشن گذاشته شده و لیوانی پر از شیر و سینی پر از نان و سیروگ، ظرفی پر از آب، گلدانی پر از مورت و شمشاد در آن دیده می شود. همچنین سینی بزرگ پر از لُرک و سینی دیگری پر از انواع میوه ها گذاشته اند. موبد در کنار سفره مشغول اوستا خواندن است. فضا بسیار دلنشین و لذت بخشی است. بوی عطر کُندر و عود و نوای دلنشین اوستا خوانی همه جا را پر کرده است. من آن روز نیز اوستا خواندم و کشتی نو کردم و پس از اوستا خوانی، دهموبد لرک وسط سفره را با کمک دیگران بین مردم تقسیم کردند و به همه مقداری لرک دادند. من نیز لرک گرفتم و از میوه های بریده و نان و سورگ و حلوا هم خوردیم و هم بهره شدیم. پس از برگزاری گهنبار احساس شادمانی و آرامش داشتم و با غرور و سربلندی همراه مادر بزرگ به خانه برگشتم.

**خورشید آیین گهنبار را برای برادر کوچک خود رشید تعریف می کند**

لرک را با رشید برادر کوچکم تقسیم کردیم و خوردیم. آیین گهنبار خوانی را برای رشید تعریف کردم. او هم خیلی از آیین گهنبار خوشش آمد و پرسش های زیادی از من پرسید. گهنبار یعنی چه؟ چرا گهنبار می‌خوانند؟ در سال چند بار و چه مواقعی آیین گهنبار خوانی برگزار می‌شود؟ چرا در آیین گهنبار لرک تقسیم می‌کنند؟ مادر بزرگ در پاسخ به پرسش های من و رشید گفت: «در زمان قدیم که مردم در روستاها زندگی می‌کردند و شغل آنها کشاورزی و دامپروری بود، به منظور

گردهمایی و شادی به مناسبت‌های مختلف جشن و شادی بر پا می‌کردند. از جمله در هر فصلی و موقع برداشت و انبار کردن هر نوع محصولی جشن می‌گرفتند و آیین گهنبار را برپا می‌کردند. با توجه به اینکه هر یک چه محصولی کاشته و برداشت کرده‌اند. در آیین گهنبار مقداری از محصول خود را بین دیگران نیز تقسیم می‌کردند تا اینکه همه از انواع محصولات یکدیگر داشته باشند و اگر کسی به دلایلی محصول کافی به دست نیاورده است، بتواند از دهش گهنبار کمی از آن محصول را فراهم و انبار کند. لُرک کنونی گهنبار نیز نمادی از آیین قدیم گهنبار است و به پیروی از داد و دهش اهورایی برای شادی بهره مندی همگانی دهش می‌شود.»

**آیا می‌دانید که:**

۱- میدیوشهیم از دو بخش «میدیو» به معنی «میان» و «شهیم» به معنی «تابستان» است.

۲- هر گهنباری که در زمان برگزاری شش چهره گهنبار نباشد، «گهنبار توجی» می‌نامیم.

**بیشتر بدانیم :**

با توجه به فصول مختلف و برداشت انواع محصولات در سال ۶ چهره گهنبار داریم بنام های:

۱- میدیوزرم گاه - از روز خیر ایزد تا دی به مهر ایزد از ماه اردیبهشت برگزار می‌شود.

۲- میدیوشهیم گاه - از روز خیر ایزد تا دی به مهر ایزد از ماه تیر برگزار می‌شود.

۳- پیته شهیم گاه - از روز اشتاد ایزد تا انارم ایزد از شهریور ماه برگزار می‌شود.

۴- ایا سرم گاه - از روز اشتاد ایزد تا انارم ایزد از مهر ماه برگزار می‌شود.

۵- میدیارم گاه - از روز مهر ایزد تا ورهرام ایزد از دی ماه برگزار می‌شود.

۶- همس پت میدیم گاه - که در پنج روز آخر سال برگزار می‌شود.

هر چهره گهنبار در ۵ روز برگزار می شود (هر روز از آن در چند خانه از کسانی که محصول بیشتری برداشت کرده اند و نیت کرده اند آیین گهنبار و مهمانی و شادی برپا می‌شود).

گهنبار همس پت میدیم که گهنبار پنجه نیز نامیده می شود، پس از خانه تکانی قبل از نوروز و به مناسبت یادی از هماروانان برپا می‌شود.

**پرسش :**

۱- گهنبار میدیوشهیم در چه فصلی از سال برگزار می‌شود؟

۲- گهنبار به چه معنی است؟

۳- سفره گهنبار چه رنگی است و چه چیزهایی روی آن می چینند؟

۴- داد و دهش محصول کشاورزی در گهنبارها برای چه بوده است؟

۵- چرا خورشید موبدان را دوست دارد؟

# درس سوم
# بنیاد آتشکده

## پیدایش آتشکده

آریایی‌های هم‌زمان با اشوزرتشت در سرزمین شمالی ایران و جنوب روسیه که هوای بسیار سرد و زمستان طولانی داشت، زندگی می‌کردند. آیین بیشتر مردم طبیعت پرستی بود و چون همه به آتش برای روشنایی و گرم کردن خانه و کاشانه و پختن غذا و غیره نیازمند بودند همچنین کبریت نیز وجود نداشت و فراهم کردن آتش بسیار سخت و وقتگیر بود، آتش را در محلی به نام آتشکده همیشه روشن نگاه می‌داشتند. اشوزرتشت پیامبر، وجود این جایگاه را بسیار لازم و حیاتی تشخیص داد. آتشکده در طول تاریخ به نام های: درمهر، آدریان، آتش بهرام (ورهرام) نامیده می شد و در دوره‌های گوناگون آتشکده علاوه بر نیایشگاه زرتشتیان، همایشگاه دینی و آموزشی و فرهنگی و اجتماعی نیز بوده است.

## آتشکده جایگاهی پاک و مقدس است

ایرانیان در زمان اشوزرتشت نیز آتش را به پیروی از سنت نیک نیاکانشان با پاکی کامل در آتشکده‌ها حفظ و نگهداری می‌کردند، تا از یک سو یادآور پیدایش ارجمندی باشد که در تاریخ تمدن بشری می‌درخشد و از سوی دیگر بر پایه ی جهان بینی تازه ای که پیدا کرده بودند به عنوان نشانی از فروغ بی‌آغاز آفریننده، همواره در یادشان باشد، این دو انگیزه نیرومند، یکی ملی و دیگری دینی، توانست آتشکده‌ها را تا امروز روشن و فروزان نگه دارد و باعث شود پس از هزاران سال از حرمت و اعتبار آن کاسته نشود و همچنان جایگاه پاک و مقدسی به شمار آید.

## آتشکده پیش از اشوزرتشت در ایران ساخته می‌شد

در زمان‌های قدیم مردم از وسایل پیشرفته امروزی مانند کبریت و فندک و گاز برای برافروختن آتش برخوردار نبودند. در نتیجه پس از پیدایش آتش می بایست آن را در مکان مشخصی که همه بتوانند از آن استفاده کنند، نگهداری و نگهبانی می‌کردند تا خاموش نشود و مردم هر محل از آتش محله‌ی خود بهره مند شوند و بتوانند از آن برای پختن غذا و همچنین گرم کردن خانه‌های خود استفاده کنند. به همین دلیل مردم محل هایی را برای نگهداری آتش ساختند و آن را آتشکده یا خانه آتش نامیدند و همان‌طور که می‌دانیم پیدایش و کشف آتش بسیار پیش تر از زمان اشوزرتشت است و آتشکده‌ها نیز که برای محافظت از آتش ساخته شده اند، پیش از اشوزرتشت بوده‌اند.

## برای ساختن آتشکده، همه ی زرتشتیان با هم همکاری می کنند

آتشکده‌ها از زمان قدیم تا به امروز جایگاه پاک و مقدسی به شمار می‌روند که در آن مردم به راز و نیاز با خداوند، همچنین به انجام کارهای نیک می‌پرداختند. آتشکده از جایگاه والایی در نزد مردم برخوردار است. ساختن این مکان های مقدس نیز جُزو کارهای خوب و نیک به حساب می‌آید و مردم به ویژه زرتشتیان برای این که از کرفه این کار های خوب و نیک بهره مند شوند، در ساختن آتشکده‌ها با هم همکاری می‌کنند.

## کمک برای ساختن آتشکده

زرتشتیان در جاهای مختلف دنیا با موقعیت‌های مختلف اجتماعی و وضعیت مالی گوناگون زندگی می‌کنند و همان‌طور که گفته شد ساختن آتشکده‌ها جزو کارهای خوب و نیک محسوب می‌شود. کار نیک را نه برای پاداش، بلکه صرف نیک بودن و نیکی رساندن آن انجام می‌دهیم. همان‌طور که از نماز اشم وهو آموخته‌ایم، نیکی مایه خوشبختی است. از این رو، هر گاه در جایی آتشکده‌ای ساخته شود بیشتر زرتشتیان نسبت به توان مالی خود از جاهای مختلف دنیا برای ساخت آن کمک می‌کنند. حتی بعضی از زرتشتیان که از هنر ساخت و طراحی برخوردار هستند، به طور رایگان در ساخت و تزیین آتشکده کمک می‌کنند.

## سبک و معماری ویژه‌ای استفاده می‌شود

همان‌طور که می‌دانیم انسان در مکانی که به او آرامش و آسایش می‌دهد، بهتر می‌تواند به ستایش خدای یکتا بپردازد. بنابراین آتشکده با سبک ویژه و زیبایی خود محل خوبی برای نیایش و راز و نیاز با خدای یکتا است. علاوه بر این که زرتشتیان در آتشکده‌ها به نیایش خدای یکتا می‌ایستند، کارهای نیک و خوب خود را انجام می‌دهند. در نتیجه نقشه و سبک معماری آتشکده‌ها همواره به گونه‌ای تهیه می‌شوند که به انسان آسایش و آرامش و روحیه همکاری بدهد و جایگاهی برای انجام کارهای دینی و همگانی مردم باشد. آتشکده ها دارای نقشه و سبک معماری ویژه‌ای هستند که به آن سبک چهارتاقی گفته می‌شود و از افراد ماهر و با تجربه برای طراحی و ساخت این مکان‌های مقدس استفاده می‌کنند. در سبک معماری چهارتاقی فضاهای گسترش یافته ای برای نیایش، جشن‌ها، تشکیل جلسه‌ها، کتابخانه و مدرسه می‌توان ایجاد کرد که همگی در آتشکده‌ها می‌بینیم.

## همه در نگهداری آتشکده‌ها همکاری می‌کنند

آتشکده‌ها مکان های پاک و مقدسی هستند و این پاکی و قداست از زمان‌های قدیم موجب نگهداری آتشکده بوده است و زرتشتیان برای این که این پاکی و مقدس بودن ایرانیان همیشه حفظ شود از آتشکده‌ها به خوبی نگهداری و مراقبت می‌کردند؛ زیرا اگر این کار انجام نمی‌شد این یادگارهای مقدس در همان زمان‌های قدیم در اثر جنگ‌های متعددی که صورت گرفته از بین می‌رفت و به زمان ما نمی‌رسید. امروز نیز همه‌ی زرتشتیان باید در نگهداری آتشکده ها همکاری کنند و در انجام کارهای دینی و نیکی رساندن به دیگران برابر با آموزشهای اشوزرتشت کوشا باشند.

## آتشکده باید شسته و پاکیزه باشد

اشوزرتشت در سرتاسر پیام خود از پاکی و راستی صحبت می‌کنند. وی یادآور می‌شود که انسان و محل زندگی او باید پاک و پاکیزه باشد. در پیام زرتشت از پاکی انسان در هنگام نیایش و هم چنین پاک و تمیز بودن محل نیایش نیز سخن به میان آمده است. چون زرتشتیان علاوه بر این که در منزل نیایش می‌کنند، در آتشکده‌ها نیز به ستایش خدای یکتا می‌پردازند. آتشکده باید همیشه شسته شود و پاکیزه و تمیز باشد در گذشته موبدان وظیفه پاکیزگی و نظافت آتشکده را به عهده داشتند و امروزه همه زرتشتیان با همکاری یکدیگر در پاکیزگی و نگهداری آتشکده‌ها کوشا هستند. ما باید آتشکده‌ها را همانند خانه و محل زندگی خود پاک و زیبا نگه داریم.

**پاکیزه نگه داشتن آتشکده و همکاری با مسوول آن**

چون ما زرتشتیان آتش و نور آن را جزیی از نورهای اهورایی می‌دانیم، باید همواره آتش را که دارای نور اهورایی است در آتشکده روشن نگه داریم همچنین بایستی در پاکیزه نگهداشتن آتشکده که محل نگهداری آتش است، تلاش و کوشش فراوانی انجام دهیم. با مسوولان آتشکده برای زیبایی و پاکیزگی آتشکده تلاش بسیاری می‌کنند. ما نیز همیشه با مسوولان آتشکده همکاری می‌کنیم و به آنان ارج می‌گذاریم. همکاری با مسوولان آتشکده و موبدان بهترین روش برای تمیزی و پاکیزگی آتشکده و عبادت و راز و نیاز با خداوند یگانه و هستی بخش بزرگ دانا است.

**آتشکده دارای مکان‌های دیگر مانند کتابخانه، جشنگاه و سالن اجتماعات است**

آتشکده در زمان گذشته علاوه بر این که جایگاه نگهداری آتش و محل نیایش و اجرای جشن های آیینی بزرگ بود، مکان فعالیت های دیگری نیز بوده است. در آتشکده دادگاهی وجود داشت که موبد بر کرسی خویش به دادرسی مردم می‌پرداخت. همچنین درمانگاهی در کنار آتشکده بود که به درمان جسم و روح مردم می‌پرداخت. آموزشگاهی مجهز به کتابخانه‌ای جامع برای تعلیم دروس دینی و دیگر علوم. مخزن و انبار ملزومات و غنایم به نام هیربدستان در آتشکده قرار داشت و امروزه نیز آتشکده‌ها دارای مکانهای زیبایی به صورت جشنگاه، کتابخانه و درمانگاه و ورزشگاه هستند. محل امور اوقافی نیز مکانی برای ورزش در کنار آتشکده ساخته می‌شد.

**آیا می‌دانید که:**

۱- آتشکده‌ی آذرگشسب در کجاست؟ این آتشکده در چه زمانی ساخته شده است؟

۲-آتشکده‌ی یزد در کجاست؟ در چه زمانی ساخته شده است؟

**بیشتر بدانیم :**

در زمان فرمانروایی ساسانیان بر ایران، آتش سه آتشکده از جایگاه و مقام بالایی برخوردار بودند و بر همین پایه آن‌ها را آتش «ورهرام» یعنی آتش پیروزی نام نهاده بودند. یکی از آنها « **آذرفرنبغ**» نام داشت که گویند آن را نخستین بار جمشید پیشدادی در آتشگاهی بر فراز کوه فرهمند خوارزم قرار داد. در زمان شاه‌گشتاسب کیانی این آتش را از خوارزم به کوه روشن در کابل بردند، سپس آن را به شهر دارابگرد در استان فارس آوردند و در آتشگاه باشکوهی جای دادند.

انوشیروان دادگر (پادشاه ساسانی) فرمان داد تا «آذرفرنبغ» را از دارابگرد به کاریان فارس بیاورند. این آتش برای در امان ماندن، از کاریان به شهر کثه (کسنویه امروزه) و سپس به غاری در «کوه شگفت یزدان» بین عقدا و پارس‌بانو منتقل شد. پس از آن این آتش را به روستاهای زرتشتی‌نشین یزد از جمله هفت آدر عقدا – شریف‌آباد اردکان و ... جا به جا کردند. سرانجام آتش فرنبغ پس از نگهداشت چندی در محله دستوران یزد، در سال ۱۳۱۸ خورشیدی به آتشکده کنونی یزد نشانیده و تقدیس شد.

***<u>برای آشنایی بیشتر</u>***

***آتش نیایش:***

نَمِه سِتِه. آترش. مزدا – اهورهه. هوداو – مَزیشتَه. یَزەتَه-

تَوَه. آترَش. پوترَه – اَهورَهِه. مَزداوُ. خشنَه‌اُترَه. یسنائیچَه. وَهمائیچَه. خشنَه‌اُترائیچه.

فرَسس‌تَه‌یَه‌اِ چَه.

*نماز به تو ای آتش، ای آفریده نیک مزدا اهورا و ای ایزد بزرگوار – به تو ای آذر گرامی اهورامزدا، خشنودی و یزشن و نیایش و درود و ستایش باد.*

**پرسش :**

۱- چرا آتشکده بنیاد نهاده شد؟

۲- انگیزه‌هایی که باعث پا بر جا ماندن آتشکده‌ها شده است، نام ببرید؟

۳- به چه دلیل همه زرتشتیان در ساختن آتشکده همکاری می‌کنند؟

۴- آیا برای ساختن آتشکده‌ها از نقشه و سبک معماری ویژه ای استفاده می‌شود؟

۵- چرا باید آتشکده‌ها زیبا و پاکیزه باشد؟

# درس چهارم
# درختکاری برای سرسبزی و جاودانگی طبیعت

## آیا شما تا کنون گیاهي کاشته‌اید

پرسش بسیار مناسبی است، پیش از اینکه به این سئوال پاسخ داده شود بهتر است بدانیم که کاشتن گیاه کار بسیار سودمندی است. زیرا با کاشتن گیاه می‌توانیم از هوای تمیز استفاده کنیم، شهر و روستای خود را زیبا کنیم و از سایه درختان استفاده کنیم. اگر تا به حال نیز گیاه یا درختی نکاشته اید تصمیم بگیرید تا این کار را انجام دهید.

## سود گیاهان براي ما

هر گیاه بنا بر خاصیتی که دارد، سود زیادی دارد. بعضی گیاهان دارویی برای ساختن داروهای گوناگون به کاربرده می‌شود. برخی از گیاهان مانند درختان میوه و انواع سبزی‌ها برای خوردن هستند. به دلیل عمل فتوسنتز در گیاهان، گاز کربنیک هوا تبدیل به اکسیژن می‌گردد و اکسیژن مورد نیاز برای زندگی موجودات زنده فراهم می‌شود. همچنین از چوب درختان برای ساختن انواع وسایل چوبی و تهیه کاغذ و استفاده می‌شود.

از قسمت های مختلف گیاه (ریشه- ساقه- برگ- گلبرگ- پرچم و ...) استفاده می‌شود.

## نگهباني امشاسپند امرداد

گیاهان سبز علاوه بر اینکه به زیبایی شهر کمک می‌کنند و به خاطر رنگ زیبای سبز، باعث لطیف شدن روح ما انسان ها می‌شوند. گیاهان نماد و نشانه جاودانگی و بالندگی روی زمین هستند؛ به همین دلیل اَمشاسپند اَمرداد نگهبان گیاهان سبز بر روی زمین است. امرداد، امشاسپندِ ششم است که اوستایی آن «اَمِرِتات» است. امرداد از دو واژه آ و مرداد تشکیل شده است آ حرف نفی است و ابتدای برخی از کلمه ها که بیاید آن کلمه را منفی می‌کند و مرداد به معنای مرگ، نابودی، نیستی است. بنابراین معنی کامل امرداد، جاودانگی و بی‌مرگی است.

## کاشتن درختان و ایجاد جنگل مصنوعي

همان‌طوری که در قسمت آغاز گفته شد، کاشتن گیاهان به خصوص درختان فایده فراوان دارد و به همین خاطر باید در کاشتن درختان و گیاهان تلاش کنیم. هر فرد زرتشتی تلاش کند تا در روی زمین باید جنگل های مصنوعی ایجاد شود. جنگل مصنوعی با کاشتن درختان بسیار زیاد در یک فضای وسیع به وجود می‌آید. با هدف کاشتن درختان، جهان آباد و جهانیان شاد می‌شوند و سرسبزی درختان به ما روح زندگی و نزدیکی به امشاسپند امرداد یعنی خرمی و جاودانی را به ارمغان می‌آورد.

## براي درختکاري چه لوازمي مي‌خواهيم

اگر می خواهیم درخت خوبی را بکاریم، باید مکان کاشت و نور برای درخت مناسب باشد. برای رشد بهتر درخت باید خاک خوب با کود مناسب، آب کافی داشته باشیم. زیرا کاشت احتیاج به زمین مناسب دارد که دانه در آن ریشه کند و بارور شود. از دیگر لوازم درختکاری به بیل برای کندن گودال نیاز می باشد تا بذر یا قلمه و نهال درخت را در گودال قرار دهیم.

همه از بزرگ و کوچک باید سعی کنیم تا درخت یا گیاهی را بکاریم. بنابراین هر فرد زرتشتی باید لوازم درختکاری را در خانه داشته باشد و همیشه دیگران را هم تشویق به کاشت درخت و سرسبز نمودن محیط زندگی نماید.

**اماکن مقدس زرتشتی همگی سرسبز و پر از دار و درخت است**

در قسمت های قبل در مورد فواید زیاد درختان صحبت کردیم، ما زرتشتیان همیشه در کاشتن درخت پیشقدم هستیم. تمام زیارتگاه‌های ما زرتشتیان و اماکن مقدس ما پر از درختان و گیاهان سبز است که همه علاوه بر اینکه بر روی جسم ما اثر مثبت می‌گذارد بر روح و روان ما هم تأثیر نیکویی دارد. با قدم گذاشتن به زیارتگاه ها، ما زرتشتیان، از نظر جسمی و روحی به آرامش خاصی می‌رسیم و دادار اورمزد را ستایش می‌کنیم.

**نگهداری از درختان کاشته شده با همکاری گروهی**

حال که درختان یا گیاهان را کاشته‌ایم، باید تلاش کنیم از آن ها نگهداری کنیم. شاخه‌های درختان را نشکنیم یا گیاهان را زیر پایمان له نکنیم بسیاری از درختان و گیاهان را دیگران کاشته‌اند و ما از سرسبزی و میوه آنها استفاده می‌کنیم. باید از آنها نیز به خوبی نگهداری کنیم. به درختان باید کود و آب مناسب بدهیم و به موقع آن ها را هَرَس کنیم. این سخن گذشتگان را به یاد داشته باشیم (درخت افکن، بود کم زندگانی).

**نام چند گیاه سنتی زرتشتیان**

گیاهان سنتی زرتشتیان، گیاهانی هستند که در بیشتر آیین‌های زرتشتیان به کار برده می‌شود. در گهنبارها و جشن های سدره پوشی و آیین درگذشتگان گیاهان زیبا و سرسبزی به کار می‌روند.

سرو، مورت و شمشاد برای جشن ها، سِداب برای مراسم درگذشتگان و هوم برای مراسم نوزودی، آویشن و سنجد، بادام، گردو، پسته و فندق برای سدره پوشی و انار و انگور و سیب در مراسم عروسی برای شادباش و برای خوردن به کار می‌روند..

حال که با سودمندی‌های کاشت گیاهان آشنا شدید، با دوستان خود شروع به کاشتن درخت و یا هر نوع گیاه دیگری بکنید. روز درختکاری را پاس داریم و در این روز درختی بکاریم. همکاری گروهی در نگهداری از درختان ما را به دامن طبیعت می‌برد و زیبایی‌ها و سود گیاهان را از نزدیک به ما یاد می‌دهد. ما با همکاری برای کاشت و نگهداری درخان می‌توانیم روزی شاد، پرتحرک و دل انگیز داشته باشیم. انسان از میوه درختان برای خوراک استفاده می‌کند. هر زرتشتی باید بداند که میوه نارس را نباید از درخت بچینند و باید از میوه رسیده استفاده کند.

**آیا می‌دانید که :**

۱- گیاه هوم چگونه گیاهی است و در کجا می‌روید؟

۲- چگونه سیر و سداب درست می‌کنند؟

**بیشتر بدانیم :**

از گیاهان دارویی هر کدام استفاده‌هایی می‌کنند که جزو سنت زرتشتیان است. از بعضی از آن ها نیز مانند هوم در آیین یزشن خوانی استفاده می‌کنند. موبدان یزشن خوان آن را با سرودن اوستا در هاون می‌کوبند و عصاره آن را به مردم می‌دهند تا نوش کنند. هوم دارای ماده‌ای بنام افدرین است که بسیار آرام‌بخش و شادی‌آور و مقوی قلب است. نوشیدن هوم به ما تندرستی و طول عمر می‌بخشد.

**پرسش :**

۱- دو فایده مهم گیاهان را بنویسید.

۲- کدام امشاسپند نگهبان گیاهان است، نام اوستایی آن چیست؟

۳- نام چند گیاه سنتی زرتشتیان را بنویسید.

۴- سرسبزی زیارتگاه‌های زرتشتیان چه اثری بر روی جسم و روح ما دارد؟

۵- چگونه می‌توانیم از میوه درختان استفاده کنیم؟

## درس پنجم
## رشته‌ی تیر و باد درست کنیم

### آداب و رسوم ما

آداب و رسوم ما گنجینه‌ی پر ارزشی است از فرهنگ و هنر و اخلاق مردم ایران که به مرور زمان شکل یافته و از گذشته‌های دور به امروز رسیده است. اگر آداب و رسوم ما به درستی از نسلی به نسل دیگر نرسد، از بین خواهد رفت.

### کارهای سرگرم کننده‌ی دینی

برای نگه داشتن آداب و رسوم مذهبی، همه ما کارهای سرگرم کننده‌ای نیز انجام می‌دهیم. هم خود را شادمان وخوشحال می‌کنیم و هم دیگران را و با شادمانی آداب و رسوم و سنت های خود را حفظ و نگهداری می‌کنیم. مردم ایران می‌دانند که باید آداب و رسوم را به بهترین صورت پاسداری کنند و آن را به آیندگان بسپارند. کار های سرگرم کننده در هر آیینی به زیبایی انجام می‌شود. در بعضی از آیین با درست کردن غذاهای خوشمزه و پخش بین همسایه‌ها برای انجام دادن داد و دهش، این آداب و رسوم به جا می‌آورده و در بعضی دیگر از مراسم این آداب و رسوم به شکل دیگر نگهداری می‌شود مثلا: به دست بستن رشته‌ی تیر و باد در جشن تیرگان.

### رشته‌ی تیر و باد چیست

رشته‌ی تیر و باد رشته‌ای است از بافتن هفت نخ ابریشم به رنگهای گوناگون درست می‌شود. رنگهای رشته‌ی تیر و باد مانند هفت رنگ رنگین کمان درست شده است که پس از باریدن باران در آسمان نمایان می‌شود.

### نخ ابریشمی هفت رنگ برای درست کردن تیر و باد

زرتشتیان هفت نخ رنگی ابریشم نازک را از چند روز پیش از جشن تیرگان تهیه می‌کنند و آن ها را به هم می‌بافند تا در روز جشن تیرگان آماده باشد. در بامداد روز جشن تیرگان هر کس رشته تیر و باد خود را که نمادی از بارش باران می‌باشد به مچ دست راست می‌بندند. بافتن آن بسیار ساده است و حتی می‌توان آن ها را به هم پیچید.

رشته‌ی تیر وباد دارای هفت رنگ است. به یاد هفت رنگ رنگین کمان که نمادی از بارش باران می‌باشد. در زمان‌های بسیار دور مردم جشن تیرگان را شکوه بارش باران بعد از خشکسالی که به مدت ده روز دینی از روز تیر تا روز باد ایزد بارید، در ماه تیر برپا نمودند. بنابراین زرتشتیان رشته‌ی تیر و باد را به مچ دست راست می‌بستند تا باران ببارد و چنین رنگین کمانی را در آسمان مشاهده کنند. این جشن تا به امروز باقی مانده است و اکنون نیز زرتشتیان از پیر و جوان صبح روز جشن تیرگان یعنی روز تیر ایزد از ماه تیر، رشته‌ی تیر و باد را به مچ دست می‌بندند و در روز باد ایزد از دست باز می‌کنند و به باد می‌دهند.

## آرزوهای نیک اهورایی

کسانی که رشته‌ی تیر و باد را به دست خود می‌بندند در روز باد که می‌خواهند آن را باز کنند، به دشت یا به پشت بام خانه می روند و رشته‌ی تیر و باد را از مچ دست خود باز می‌کنند. با باز کردن آن آرزوهای نیک اهورایی را برای خود و خانواده‌ی خود یاد می‌کنند و آن رشته را به باد می‌سپارند و از ایزد باد یاری می‌خواهند تا آن ها را به آرزوی خودشان برساند.

زرتشتیان و همه ایرانیان در آرزوی نیک اهورایی خود ترسالی و جاودانی کشور اهورایی ایران را که خونیرس بامی یا کشور روشنایی نامیده می‌شود و روشنی و برکت برای خانه و خانواده خود و همگان را آرزو می‌کنند.

## رنگین‌کمان

رنگین‌کمان، کمان هفت رنگی است که بعد از بارش باران اگر آفتاب شود در آسمان آبی پدیدار می‌شود و هفت رنگ زیبای طبیعت را به ما نشان می‌دهد. رنگین کمان نشانه آبیاری شدن طبیعت و پیروزی ایزد تیر یا تشتر بر دیو خشکسالی یا آپوش است. ما با دیدن رنگین‌کمان با خودمان پیمان می‌بندیم که همانند ایزد تیر برای سرسبزی و آبادی کشور همکار باشیم. ما با دیدن رنگین‌کمان ارزش‌های آب و پاکی و زیبایی آن را به یاد می‌آوریم و مبارزه همیشگی با خشکسالی را در ذهن خود تازه می‌کنیم. رنگین کمان نمادی از صلح و آشتی همه‌ی مردم پس از مبارزه با خشکسالی و بارش باران این داده‌ی اهورایی است.

**آیا می‌دانید که :**

در جشن تیرگان چه رویدادهای استوره‌ای و تاریخی پیش آمده است؟

**برای آشنایی بیشتر :**

قسمتی از اوستای مهرنیایش و ترجمه آن را نقل می‌کنیم:

**اَهِه. رَیه. خُوَرِهٌ نَنگ هَچَه. تِم. یَزائی. سُرونَ وَتَه. یَسنَه – میثرِم. وُاورو. گه اُ یَه اُئی‌تیم. زَاُترابیوُ – میثرِم. وُاورو. گه اُ یَه اُئی‌تیم. یَزِهمَه‌ئیده – رامَه. شَیَه‌نِم. هو شیه نِم. آئیریابیوُ. داینگهوبیوُ.**

ترجمه:

برای شکوه و فر او، من می‌ستایم با ستایش یسنا، مهر ایزد دارنده دشت های فراخ را. با آب زور مهر ایزد دارنده دشت های فراخ را می‌ستاییم که آرامش خوب (صلح و دوستی) و خانمان خوب به سرزمین های ایران (آریایی) می‌بخشد.

**پرسش:**

۱- ایزد تیر چه نقشی در جهان هستی دارد؟

۲- رشته‌ی تیر و باد در چه روزی به دست بسته و در چه روزی از دست باز می‌شود؟

۳- جشن تیرگان در چه روزی از چه ماهی برگزار می‌شود؟

۴- هنگامی که رشته‌ی تیر و باد را از دست باز می‌کنیم، چه کاری انجام می‌دهیم؟

۵- چرا تیر و باد را از ابریشم هفت رنگ می‌بافتند؟

# درس ششم
# آتش افروزی پیش از نوروز (۱)

**یک هفته پیش از نوروز همه بچه ها منتظر آیین آتش افروزی هستند**

مادر سهراب به کوچه آمده و امید را می‌بینند، از او می‌پرسد: «آیا سهراب را دیده‌ای؟»

امید با خوشحالی می‌گوید: «بله من تا الان همراه سهراب و سام و شهرام بودم. ما مشغول جمع‌آوری بوته و چوب برای جشن چهارشنبه‌سوری بودیم. نمی‌دانید چقدر به ما خوش گذشت.»

**صبح زود مادر سهراب و سام آش و سورگ پخته است**

مادر سهراب با لبخندی می‌گوید: «امید جان، بچه‌ها را صدا بزن و همگی بیایید خانه ما. من امروز کمی آش رشته پخته‌ام، هم بخورید و هم برای همسایه‌ها ببرید.»

امید با خوشحالی می‌گوید: «من آشی را که شما می‌پزید خیلی دوست دارم، الان همه را صدا می زنم. زیاد دور نیستند.»

امید می‌دود و در راه با داد، بچه ها را صدا می‌کند: «آی، آی بچه ها! آش! آش چهارشنبه سوری آماده است.»

**یک کاسه آش و چند سورگ برای پدر و مادر امید**

چندی نمی‌گذرد که امید به همراه سهراب و سام و شهرام با شوق فراوان وارد خانه سهراب می‌شوند. مادر سهراب آشی را که برای آیین پنجه پخته است به همراه سورگ می‌دهد تا بخورند؛ در همین حال پدر بزرگ سهراب وارد می‌شود. او پیرمردی مهربان و خوش صحبت است و بچه‌ها همیشه با شوق و ذوق پای صحبت‌ها و خاطره های او می‌نشینند.

بچه‌ها به احترام پدر بزرگ، خوردن را رها می‌کنند و از وی احوالپرسی می‌کنند.

**سهراب و سام برای جمع کردن هیزم همکاری می‌کنند**

پدربزرگ: «شما بچه‌ها را امروز در خیابان دیدم. با هم همکاری می‌کردید قوی و نیرومند و همچنین بازیگوش، برای چهارشنبه‌سوری بوته و هیزم جمع کردید. بسیار خوب! آفرین به دوستی و همکاری شما.»

امید از پدر بزرگ می‌پرسد: «آیا درست است که جشن چهارشنبه‌سوری متعلق به ما زرتشتیان است، پدرم همیشه می‌گوید چون در آن آتش روشن می‌شود و از روی آتش می‌پریم، این جشن در اصل متعلق به زرتشتیان است.

پدر بزرگ با تفکر لبخندی می‌زند و سرش را به نرمی تکان می دهد. او پدر امید را می‌شناسد که کتاب فروش است.

**آتش نشانه امشاسپند اردیبهشت**

پدربزرگ گفت: «امید جان در دین زرتشتی، ما آتش را نشانه پاکی و راستی می‌دانیم و معتقد هستیم که امشاسپند اردیبهشت نگهبان آتش در روی زمین است. ما آیینی داریم به نام گهنبار که در

آن به داد و دهش می‌پردازیم. این گهنبارها در شش موقع از سال برگزار می‌شود. در گهنبار ششم که در پایان سال است ما نیز آتش افروزی داریم، اما از روی آن نمی‌پریم.»

سام می گوید: «گهنبار ششم نام ویژه‌ای دارد. نام آن همس پت میدیم است که به معنی برابر شدن شب با روز می باشد.

پدر بزرگ می گوید: «آفرین سام، درست گفتی. اما امید جان پدر بزرگ تو بسیار بادانش است. چهارشنبه سوری نیز از سنت آتش افروزی در گهنبار ششم گرفته شده ولی کمی تغییر داشته است.»

**همبستگی و آشنایی قدیمی همسایه‌ها**

شهرام می‌پرسد: «پدر بزرگ در خانه ما نیز همیشه صحبت از خوبی‌های زرتشتیان و سنت‌های زیبای آنان است؛ خیلی دلم می‌خواهد بدانم گهنبارها چگونه برگزار می‌شوند و خصوصا روشن کردن آتش در پشت بام چه هنگام است.»

پدر بزرگ در جواب می‌گوید: «پسرم گهنبارها در شش موقع از سال برگزار می‌شوند و در باور ما زرتشتیان آفرینش جهان در این شش دوره انجام گردیده است که به ترتیب عبارتند از: اول؛ میدیوزرم به معنی میان بهار که ۴۵ روز پس از آغاز سال است و در این هنگام آفرینش کهکشان‌ها صورت گرفته است. دومین؛ گهنبار میدیوشهم است به معنی میان تابستان و مربوط به آفرینش آب است. سومین؛ گهنبار پیتی شهم به معنی آخر تابستان و آفرینش زمین در این هنگام است.

شهرام می‌گوید: «خیلی جالب است. به این ترتیب در بهار و تابستان کهکشان و آب و زمین به وجود آمده است. حالا می ماند آفرینش انسان بر روی کره زمین. آیا در میلیونها سال پیش که دنیا آفریده شده، بهار و تابستان هم وجود داشته است؟

پدر بزرگ می‌گوید: «بله پسرم. از هنگامی که کهکشان‌ها آفریده شد و خورشید ما به وجود آمد و کره زمین شروع به گردش به دور خود و دور خورشید نمود، بهار و تابستان و پاییز و زمستان به وجود آمد.»

سهراب می‌گوید: «پدر بزرگ ویژگی نوروز و آغاز فصل بهار در چیست؟

پدر بزرگ می‌گوید: «در برابر شدن شب با روز یعنی در آغاز فصل بهار شب درست ۱۲ ساعت و روز درست ۱۲ ساعت است. نه کمتر و نه بیشتر.»

شهرام می‌گوید: «شما دانشمند و آگاه هستید و همیشه هنگامی که از کتابفروشی پدر امید کتاب می‌خرید شما را می‌بینم. پدر من هم همیشه کتاب می‌خواند و به همین علت است که پدرم همیشه درباره خوبی و دانایی خانواده‌های زرتشتی سخن می‌گوید و آنچه در کتاب‌ها درباره زرتشتیان نوشته شده را برای من تعریف می‌کند.

پدر بزرگ می‌گوید: «این خوبی‌ها همگی از پدر گرامی و خانواده روشنفکر شما است. همه خانواده‌های ایرانی دارای مهر و اندیشه اهورایی هستند. آنان همه ایرانی می‌اندیشند و به سنت‌های زیبای ایرانی پای‌بندی دارند.

**آیا می‌دانید که :**

۱- چهارشنبه‌سوری یعنی چهارشنبه بزم و شادی؟

۲- سورگ نانی است از آرد گندم که آن را در روغن برشته می‌کنند.

**بیشتر بدانیم :**

در ستایش‌های دین مزدیسنی زرتشتی آمده است :

اهورایی مزدایی ویسپا وهو چینهمی. ایشا استی دینیااَ ونگهویااَ آستو ایتیش.

سراسر آفرینش و نیکی‌های آن از سوی اهورامزدا می‌باشد. این است ستایش دین نیک زرتشتی.

**پرسش :**

۱- چرا زرتشتیان آش و سورگ را به همسایه ها می‌دهند؟

۲- بچه‌های زرتشتی برای مراسم چهارشنبه‌سوری چه می‌کنند؟

۳- آیا چهارشنبه‌سوری از سنت زرتشتیان گرفته شده؟

۴- اولین آفرینش جهان چیست و در چه هنگامی صورت گرفته؟

۵- در هنگام نوروز، روز و شب چه تفاوتی دارند؟

# درس هفتم

## آتش افروزی پیش از نوروز (۲)

### همازوری با آتش و بوش خوش

مادر سهراب سام را صدا می‌کند و به او مجمری از آتش همراه با اسفند و کندر می‌دهد. مادر می‌گوید: اسفند و کندر را روی آتش بریز تا همه همازور شویم. همگی دست از روی مجمر می‌گذرانند و به سر و چشم می‌کشند. امید و شهرام هم از این کار خوششان می‌آید. پدر بزرگ می‌گوید: «همسایه‌ها هم در مراسم دینی خود اسفند و کندر دود می‌کنند و آن را برای پاکی و سلامتی لازم می‌دانند.

امید می‌گوید: «درست است. ما هم در مراسم عروسی اسفند و کندر دود می‌کنیم. چه بوی خوشی دارد.» پدر بزرگ می‌گوید: «شهرام جان، از آفرینش انسان پرسیدی. ولی باید قبل از آن از آفرینش گیاهان و جانوران هم بگویم. چون آن ها هم از آفریدگان خداوند هستند. سام می‌گوید: «به نظر من اول باید گیاهان به وجود آمده باشند. چون جانوران و حتی انسان باید از گیاهان تغذیه کنند. پدر بزرگ می‌گوید: «درست می‌گویی. چهارمین؛ گهنبار ایاسرم و هنگام آفرینش گیاهان و رستنی‌ها بر روی زمین است. پنجمین؛ گهنبار میدیارمگاه است که آفرینش جانوران در این موقع انجام شده و بالاخره ششمین گهنبار همس‌پت میدیم‌گاه که ۳۶۵ روز پس از نوروز است و آفرینش انسان در آن صورت گرفته و خلقت به حد کمال می‌رسد. راستی بچه‌ها آش تان سرد می‌شود. تا غروب آفتاب زیاد وقتی باقی نمانده هنوز باید آش را برای همسایگان ببرید. می‌دانید بخش مهم آیین گهنبار داد و دهش است.

شهرام با شوق می‌گوید: پدربزرگ ما صحبت های شما را از هر چیزی بیشتر دوست داریم. بیشتر برایمان تعریف کنید. البته آش خیلی خوشمزه است و حتما باید برای همه همسایه ها برده شود.

### آتش افروزی پیش از نوروز در خیابان

پدر بزرگ: «چون شما می‌خواهید کم‌کم برای روشن کردن آتش بروید، من از گهنبارها فقط همس‌پت میدیم را توضیح می‌دهم که مربوط به آفرینش انسان است و امروز نیز دو روز از آن گذشته است. این گهنبار در پنج روز آخر سال برگزار می‌شود. ما زرتشتیان عقیده داریم که در این پنج روز فروهر درگذشتگان هر خانواده‌ای برای شرکت در این جشن و شکوه و برکت به خانواده خود می‌پیوندد. زرتشتیان نیز خانه را پاک و تمیز می‌کنند و معتقد هستند که تمیز بودن، برکت را به آن خانه می‌آورد. پس هر خانواده چه دارا و نادار پیش از فرا رسیدن نوروز خود را موظف می‌داند که به پاکسازی بیرون و درون خانه بپردازد و لباس نو و تمیز به تن کند. ما امروزه می‌گوییم خانه‌تکانی می‌کنیم. این پنج روز آخر سال را پنج روز پنجه می‌نامند و هر روز نامی خاص خود دارد این نام‌ها برگرفته از نام های پنج بخش گات های اشوزرتشت است.

۱- اهنود = بزرگی ۲- اشتود = خوشبختی ۳- سپنتمد = نیروی افزاینده ۴- وهوخشتر = شهریاری نیک ۵- وهیشتواش = بهترین آرزو.

سام می‌گوید: «من از وهوخشتر خوشم می‌آید که در آن شهریاری و قدرت وجود دارد. هر کاری که می‌خواهیم بکنیم قدرت لازم دارد و آدم کم زور هیچوقت موفق به انجام کاری نمی‌شود.

شهرام می‌گوید: من از اهنود خوشم می‌آید که به معنی بزرگی است. من دلم می‌خواهد که کشور ایران بزرگترین کشور و ابر قدرت جهان باشد.

پدر بزرگ می‌گوید: « هر دو درست می‌گویید. البته قدرت باید بر پایه نیکی استوار باشد و ابرقدرتی و بزرگی هم به دانایی و خردمندی است.

شهرام می‌گوید: «از آتش پنجه در بالای پشت بام بگویید. برای ما خیلی جالب است.

**آتش پنجه**

پدر بزرگ می‌گوید: «من وقتی هم سن شما بودم یادم است در شهر ما رسم بود که در غروب روز وهیشتواش، روی بلندترین نقطه پشت بام سفره ای مانند سفره گهنبار پهن می‌کردند و آتشی نیز به نشانه همراهی با فروهرهای درگذشتگان می‌افروختند. در صبح روز سال نو نیز، کمی از باقیمانده آتش را داخل ظروف گلی که شبیه چراغ های پیه سوز قدیمی بود و قبلا درست کرده بودند، می‌ریختند و جوانان با شوق فراوان صبح زود این ظروف را به آتشکده می‌بردند. آتش را در مجمر آتش می‌ریختند و ظروف گلی را بیرون می‌آوردند. جوانان این ظروف را به هم می‌کوبیدند و نفری که ظرف گلی‌اش نمی‌شکست، برنده به حساب می‌آمد.

سهراب می‌گوید: «پدر بزرگ ما از آن ظرفهای گِلی داریم؟ پدر بزرگ می گوید: «آری داریم ولی تا به زمان فروزان کردن آتش پنجه برسیم باید در فکر افروختن آتش چهارشنبه‌سوری باشیم. خوب است که همگی زودتر بروید و به کارهای آتش چهارشنبه‌سوری برسید.

**آیا می‌دانید که :**

۱- پنج روز آخر سال جزو ماه گاتهابیو به حساب می آید؟

۲- نام دیگر «گهنبار پنجه» چیست؟

**بیشتر بدانیم :**

ده روز مانده به نوروز یعنی روز اشتاد ایزد و اسفند ماه «پنجه کوچک» آغاز می‌شود و تا پایان روز انارام و اسفند ماه به مدت پنج شبانه یعنی از روز ۲۰ تا ۲۴ اسفند ماه ادامه می‌یابد. و در بامداد این روزها نیز اوستای و یژه ای خوانده می‌شود.

**پرسش :**

۱- درباره جشن چهارشنبه سوری چه می‌دانید؟

۲- گهنبارها چند بار در سال برگزار می‌شود؟ آنها را نام ببرید.

۳- پنج روز آخر سال را نام ببرید. آن‌ها را معنی کنید.

۴- چرا زرتشتیان باید ده روز مانده به نوروز خانه شان را تمیز کرده باشند؟

۵- افروختن آتش پنجه با آتش چهارشنبه‌سوری چه فرقی دارد؟

# درس هشتم
# مهر و فروتنی

## سپندارمذ یا مهر و فروتنی

امشاسپندان فروزه های اهورامزدا هستند. بنا بر نوشته‌های اوستا کلمه امشاسپند از دو بخش امشا و سپنتا تشکیل شده است و بخش اول ترکیب یافته است از آ حرف نفی و مِش َ یا مِرِت َ به معنی مردن که روی هم می‌شود بی‌مرگ و جاویدان.

بخش دوم سِپنت َ به معنی پاک و مقدس است بنابراین واژه امشاسپنتا یا امشاسپند به معنی پاکان جاویدان یا مقدسان بی‌مرگ است.

امشاسپندان یا پاکان جاویدان عبارتند از صفات مجرد و فروزگان ویژه اهورامزدا یا هستی بخش بزرگ دانا هستند. آنان پرتوهایی هستند که از سرچشمه فروغ مینوی به جهان می‌تابند و سرچشمه فروغ مینوی شیدان شید و همانا اهورامزدا است.

تعداد امشاسپندان شش تا است که امشاسپند سپندارمذ چهارمین امشاسپند و چهارمین پرتو روشنی‌بخش خداوند می‌باشد. امشاسپند سپندارمذ در جهان مادی نقش مهمی دارد. این پرتو در جهان نگهبان زمین است. از نقش مادی و معنوی امشاسپند سپندارمذ و رابطه آن دو با یکدیگر می‌توانیم به اهمیت این امشاسپند در زندگی انسان‌ها پی ببریم. در زندگی انسان مهر، عشق و فروتنی نقش اساسی دارد و زمین نیز با فروتنی کامل جایگاهی است که همه در روی آن زندگی می‌کنند. ما با نگرش فکری به کره زمین می‌توانیم آموزه مهر و فروتنی را در خود تقویت کنیم.

## زندگی با مهر ، فروتنی و محبت

اکنون که نقش امشاسپند سپندارمذ را شناختیم، در می‌یابیم که در خانواده‌های زرتشتیان امشاسپند سپندارمذ همواره حاضر است. زیرا طبق آموزه‌های اشوزرتشت ما برای پیشرفت زندگی خود و دیگران به محبت و دوستی میان اعضای خانواده یعنی پدر و مادر و نیز خواهر، برادر در همه کارها نیازمندیم. همه باید با فروتنی به یکدیگر کمک کنیم تا لذت زندگی و شادی و شادمانی نصیبمان شود و خانواده‌ای پر از مهر و صمیمیت داشته باشیم. چنین خانواده‌ای می‌تواند در کارهای بزرگ خود موفق و پیروز باشد.

## مادر با فداکاری و عشق سپنته‌گونه به فرزندان وظیفه آیینی خود را انجام می‌دهد

از نشانه‌های زیبایی وجود امشاسپند سپندارمذ فداکاری مادران از دوران کودکی فرزندان است. مادر به فرزند عشقی سپنته گونه دارد و کودک خود را از ابتدا تا دوران بالاتر با مهر و فروتنی و طبق وظیفه دینی و آیینی خود نگهداری و تربیت می‌کند. آیا اگر سپندارمذ نبود هیچ مادری می‌توانست این گونه قدرت گذشته و فداکاری داشته باشد؟ عشق مادران عشق دینی و تربیت آنان بر پایه روح مقدس سپندارمذ است.

آیا شما خواهر و برادر خود را دوست دارید؟ حتما می‌گویید بلی. شما از ناراحتی خواهر و برادر خود غمگین می‌شوید و از شادی آنها شاد. شما همیشه به آنها کمک می‌کنید و کمک خود را با احساس مهربانی انجام می‌دهید.

می‌دانید این فروزه مهر و محبت و عشق و فروتنی است. مخالف عشق و فروتنی، حسادت و خودخواهی است. در خانواده‌های زرتشتی خواهران وبرادران باید با مهر و فروتنی یا فروزه سپندارمذ با یکدیگر زندگی کنند. به این گفته اشوزرتشت گوش کنید: «مهر و فروتنی و راستی زندگانی شما را گرم و شادی‌بخش می‌کند و خودخواهی‌های ظاهرا زیبا در پایان زندگی شما را تباه می‌سازد.»

ما همگی با عشق زاییده می‌شویم. و با مهر مادر و پدر، بزرگ می‌شویم. پس باید گوش به گفتار پیامبرمان اشوزرتشت بسپاریم. و از خودخواهی و حسادت دوری نماییم.

**فرزندان باید در خانواده بر پایه مهر و محبت زندگی کنند**

بدانید که فرزندان خوب و شایسته فرزندانی هستند که طبق وظیفه دینی و آیینی خود و با بهره‌گیری از اخلاق خوب پدر و مادر خود، با مهر و محبت زندگی می‌کنند، تا امشاسپند سپندارمذ از آنان خشنود شود.

**صمیمیت و فروتنی برای حل مشکلات**

برای اینکه مشکلات فرزندان در خانواده ها حل و آسان شود، فرزندان باید با راستی و صمیمت مسائل و مشکلات خود را با پدر و مادر خود در میان بگذارند. پدر و مادر نیز بر پایه مهر و محبت به خواسته‌های فرزندان گوش می‌دهند و نیازهای روحی و جسمی آنها را برطرف می‌کنند. خریدن کفش و لباس زیبا برای فرزندان، آرزوی هر مادر و پدر فداکاری است. طبق روایت‌های زرتشتی امشاسپند سپندارمذ دوشیزه‌ای با لباس زیبا است و کشتی بر میان بسته است و اوست که می‌خواهد همه جوانان زیبا، دل انگیز و دارای لباس زیبا باشند.

فرزندان هر خانواده نیز باید لباس خود را زیبا نگهدارند و اگر لباس نو ندارند لباس خود را بشویند و زیبا کنند و بپوشند به این آرزو که پدر و مادر بتوانند برای آنان لباس نو تهیه کنند. پدر و مادر نیز با انجام نیایش های اهورایی و تلاش و کوشش سعی می‌کنند که بتوانند فرزندان را با مهر و فروتنی راهنمایی کنند و نیازها و مشکلات آنها را برطرف سازند و آرزوهای نیک آنان را به یاری امشاسپند سپندارمذ برآورده کنند.

**خشم و نفرت**

در محیط گرم خانواده، همه در هنگام نماز، اهورامزدا و امشاسپندان را یاد می کنند و با یاد امشاسپند سپندارمذ، مایه شادمانی و مهر و محبت می‌شود و روان را تسلی و آرامش می‌بخشد. بهترین راه برای فرو بردن خشم و داشتن نفرت نسبت به کسی همانا یاد کردن امشاسپند سپندازمذ است.

کسی که در هنگام آغاز کاری و یا برخورد با دیگران دادار اورمزد و امشاسپند سپندارمذ را یاد می‌کند، دیگران را با مهر پذیرا می شود و هرگز خشمگین نمی‌شود. چنین کسی هیچگاه نفرت دیگران را در دل جای نمی‌دهد و همه را با قلبی آکنده از دوستی و دلسوزی پذیرا می‌شود.

اشوزرتشت می‌فرمایند: «کسانی که روی به خشم و نفرت می برند روزی پشیمان می‌شوند و عشق و محبت در دلشان فروزان می‌گردد.

یاد امشاسپند سپندارمذ باعث ایجاد همبستگی، دلگرمی، محبت، صمیمیت و محبت در بین افراد خانواده است که موجب شادی و خوشبختی می‌شود. در خانواده‌ای که خوبی‌ها و خوشی‌ها جای بگیرد، بدی و خشم و کینه و نفرت جایی پیدا نمی‌کند. رهایی و طلاق مطرح نمی‌شود و اهورامزدا، امشاسپندان و دیگر فرشتگان از خانواده‌های هم پیوند و همبسته خشنود می‌شوند.

**فرزندان وظیفه‌شناس و آموزه‌های امشاسپند سپندارمذ**

فرزندان زرتشتی فرزندانی وظیفه شناس و نیک سیرت هستند. آنان بر اساس گفته‌های اوستا و آموزه‌های امشاسپند سپندارمذ برای پیشرفت خود و جامعه، با پدر و مادر خود مشورت می‌کنند. آنان سخنان و پندها و راهکارهای مورد نظر خانوادگی را برای همکاری و همفکری بکار می‌بندند تا در کارهای فردی و اجتماعی موفق شوند و مشکلی برایشان پیش نیاید. برای مثال، در زمان گذشته دختران و پسران زرتشتی از کوچکترین کارها تا بزرگترین کارها با پدر و مادر خویش همکاری و همفکری می‌کردند. وظایف خانوادگی تقسیم می‌شد و حتی در کار کشاورزی و دامپروری، فرزندان نیز همکاری می‌کردند. بافتن قالی و آوردن آب و روفتن برف پشت بام همکاری فرزندان انجام می‌شد.

نماد عشق و محبت و همکاری خانوادگی یک خانواده خوب زرتشتی شاخه‌هایی از گل بیدمشک بود که آن را به عنوان سنبلی از عشق و محبت امشاسپند سپندارمذ در گلدان‌های بلند و زیبا می گذاشتند و آنها را با نوارهای صورتی رنگ آرایش می‌کردند.

**آیا می‌دانید که :**

در «اندرز گواه» درباره امشاسپند سپندارمذ آمده است که :

«داد و آیین سپندارمذ امشاسپند فروتنی و مهربانی است. اندر گیتی ایرمنش و فروتن بید، اوا همدیگر دوستدار و مهربان بید، ترمنشی مکنید، خودپسند مباشید، هوَ چشم بید، خویشاوند مستمند را ننگ مدانید و از خواسته خویش یاری دهید.»

**برای آشنایی بیشتر :**

واژه اوستایی امشاسپند سپندارمذ سپنته آرمئیتی است که به معنی مهر و فروتنی است. با توجه به کلمه اوستایی این امشاسپند متوجه می‌شویم که این واژه دارای«ی» تأنیث است. پس این صفت یعنی مهر و فروتنی بیشتر در زنان وجود دارد.

جشن اسفندگان که در روز سپندارمذ از ماه اسفند برگزار می‌شود، از زنان پارسا و درستکار به ویژه مادران و پرستاران قدردانی می‌شود. در این روز مردان برای سپاسگزاری به همسران خود هدیه می‌دهند و کارهای خانه را به جای زنان خود انجام می‌دهند.

**پرسش :**

۱- فروزه‌های روشنی بخش اهورامزدا چه نام دارند؟

۲- پاکان جاویدان به چه گفته می‌شود؟

۳- یکی از نشانه‌های وجود امشاسپند سپندارمذ چیست؟

۴- برای اینکه مشکلات فرزندان در خانواده ها حل شود چه باید کرد؟

۵- برای دوری از خشم و نفرت چه باید کرد؟

۶- وظیفه فرزندان زرتشتی در خانواده چیست؟

# درس نهم

# نوروز و زایش اشوزرتشت

## نوروز جشن کهنسال ایرانی

ما زرتشتیان بر این باوریم که شادی از آفریده‌های نیک اهورامزداست. نیاکان ما برای آن که در زندگی خود، برای کار و آبادانی و پیشرفت ده، شهر و کشور بهره بیشتری ببرند، جشن‌هایی را به انگیزه‌های گوناگون برپا می‌داشتند. جشنی که از دیرباز تا کنون با نام «نوروز» برگزار می‌شود، یکی از کهنسال‌ترین و باشکوه ترین یادگار نیاکان ما است. گر چه در اوستا نامی از نوروز نیامده است، اما در دیگر نوشته‌های بازمانده از ایران پیش از اسلام بارها از این جشن بزرگ یاد شده است.

## استوره های نوروز و جمشید پادشاه پیشدادی

درباره‌ی پیدایی جشن نوروز روایت ها و افسانه های گوناگون وجود دارد. مشهورترین این روایت‌ها نسبت دادن پیدایی نوروز به جمشید یا جم، پادشاه پیشدادی، است. طبق اوستا اهورامزدا پیش از اشوزرتشت از جم خواست تا پیامبری او را بپذیرد. ولی جمشید با آزادی کامل درخواست اهورامزدا را نپذیرفت و به او برای آبادانی جهان قول داد. در بیشتر واژه‌های فارسی و یا آثار تاریخ نویسان برگزاری جشن نوروز را این گونه نقل کرده‌اند:

«نخستین کسی که نوروز را برقرار ساخت، جم بود و سبب را آن دانسته‌اند که وی در این روز جهان را به تصرف درآورد.»

یا گفته‌اند :

«چون جمشید گردونه‌ای تخت ساخت و با آن به آسمان رفت، مردم از تماشای این کار در شگفت شدند و آن را جشن گرفتند.»

## نوروز ، آغاز بهار و برابر شدن شب و روز

از ویژگی‌های نوروز قرار گرفتن آن در آغاز فصل بهار و ماه فروردین است. فصل بهار، رویش گیاهان و آغاز سرسبزی دوباره‌ی طبیعت، نوید آغاز جشن کهنسال نوروز است. درست در آغاز نوروز شب با روز برابر می‌شود و از روز دوم فروردین روز بزرگتر از شب می‌گردد. عمر خیام نیشابوری با اصلاح تقویم ایرانی همانند اشوزرتشت، هنگام نوروز را در جای خود قرار داده و کبیسه را حساب کرده است.

## در نوروز همه جا پاکیزه است و همه شادمان هستند

ما زرتشتیان و دیگر ایرانیان پیش از رسیدن نوروز، با پاکیزه کردن خانه و وسایل آن به استقبال نوروز می‌رویم. نوروز آیین‌ها و سنت‌های گوناگون دارد که هر یک از آن‌ها اندیشه و انگیزه‌ای ژرف در خود پنهان کرده است. خانه تکانی، سبزه سبز کردن، چیدن سفره‌ی هفت‌سین، پیش از نوروز انجام می‌شود. در هنگام نوروز همه شادمان هستند. شور و شوق زندگی چون بهاران در دل همه کس بیدار شده و همه تازه شدن زندگی را همراه با شکفتن طبیعت می‌بینند.

**دیدار نوروزی**

دید و بازدید نوروزی و رفتن به خانه اقوام و آشنایان از آیین نیکوی جشن نوروز است؛ گرچه امروزه فرصت کمتری برای این کار وجود دارد، هنوز هم این رسم برپا است. نوروز زندگی عادی را تحت تأثیر خود قرار می‌دهد و همه چیزها و همه کارها با گذشته فرق دارد.

همه امیدوارند با دیدار خویشان و دوستان خود کدورت و جدایی را کنار بگذارند و دوستی و آشتی را جانشین سازند.

رفتن به نیایشگاه پس از گشتن سال، دید و بازدید نوروزی و هدیه دادن بزرگترها به کوچکترها از زیبایی‌های نوروز است. عیدی دادن یک رسم کهن ایرانی است و موجب شادی و مسرت بچه ها می‌شود. بچه ها با جمع کردن عیدی خود آنچه را دوست دارند می‌خرند و به یک آرزوی کوچک خود دست می‌یابند.

**زاد روز اشوزرتشت**

نوروز در اولین روز از ماه فروردین یعنی روز اورمزد از ماه فروردین آغاز می‌شود.

ما زرتشتیان در روزهای نوروز جشن باشکوه دیگری نیز داریم. جشن زایش پیامبرمان اشوزرتشت اسپنتمان. این جشن در روز خورداد از ماه فروردین، برابر ششم فروردین، برپا می‌شود. این جشن را به طور سنتی «هبدَورو» می‌نامند.

در اوستای «فروردین یشت» درباره زایش اشوزرتشت آمده است: «از خنده و زایش او آب ها و گیاهان شادان شدند به هنگام زادن و رشد کردنش آب و گیاهان بالیدند ... ».

همچنین آمده است که اشوزرتشت نخستین آموزگار و نخستین اندیشمند جهان است.

**روز ششم فروردین روز برگزیده شدن اشوزرتشت به پیامبری است**

آیا می‌دانید بهترین هدیه‌ای که اشوزرتشت در روز تولد خود گرفت، چه بود؟ آری هدیه او پیامبری اهورامزدا بود که امشاسپند وهومن دریافت نمود. او در روز زایش خود به پیامبری جهان برگزیده شد و آموزه های خود را به جهانیان عرضه داشت.

در ۳۷۴۵ سال پیش یعنی سال ۱۷۶۸ پیش از میلاد، در روز ششم فروردین، اشوزرتشت اسپنتمان از سوی اهورامزدا به پیامبری برگزیده شد تا راه راستی و پیام اهورایی را به مردم برساند.

**آیا می‌دانید که :**

حکیم عمر خیام در «نوروز نامه» درباره «جشن نوروز» چه نوشته است؟

**بیشتر بدانیم :**

در اوستا آمده است :

**اشتانو رَاتو یو آترَوه سپیتامو زره توشترو**

شاد باشید زیرا رهبر بزرگی چون زردشت اسپنتمان زاده شده است.

**پرسش :**

۱- جشن نوروز از چه دوره‌ای تا کنون برگزار می‌شود؟

۲- پیش از فرا رسیدن نوروز چه کارهایی انجام می‌دهیم؟

۳- پس از آمدن سال نو چه می‌کنیم؟

۴- زایش اشوزرتشت در چه هنگامی است؟

۵- در فروردین‌یشت درباره اشوزرتشت چه گفته شده است؟

# درس دهم

# راستی و راستگویی

## پیروی از حقیقت و عدالت

اشا یا راستی، نظم و سامان جهان و دادگری و عدالت در زندگی است.

به طور کلی نظم و هنجار هستی و پیروی از حقیقت و عدالت باعث ایجاد راستی و درستی و نظم در آفرینش و همه امور جهان می‌شود. به طوری‌که اشوزرتشت می‌فرماید: **«ایوو پنتا یو اشهه»** راه در جهان یکی است و آن راه راستی است.

## راستی در زندگی

برابر اصول دین زرتشتی، راستی در زندگی انسان ارزش زیادی دارد و در نیایش روزانه این ارزش یادآوری می‌شود. برای مثال، در سرود اشم‌وهو که بارها در نیایش های ما تکرار می‌شود، راستی را موجب خوشبختی دانسته است. راستگویی و درست کرداری یکی از افتخارات ایرانیان و زرتشتیان است.

## علاقه‌مندی به اصول دینی

پس ما با خواندن سرودهای اشوزرتشت و اصول دینی و عمل کردن به آن‌ها علاقه‌مندی خود را به دین و آیین‌مان نشان می‌دهیم. به طوریکه اشوزرتشت برای ستایش مزدا و اشا جان و تن و اندیشه و گفتار و کردار نیک خود را تقدیم می‌دارد (یسنای ۳۳ بند ۴).

## امشاسپند اردیبهشت نماد راستی و راستگویی

واژه اوستایی امشاسپند اردیبهشت، **اشه‌وهیشته** است. او نماد راستی و راستگویی است و در جهان نگهبانی از آتش را به عهده دارد. «آشَه» به معنی بهترین راستی و پاکی و «وَهیشتَه» به معنی بهترین است. بهترین راستی دومین امشاسپند یا فروزه اهورامزدا است که با گام نهادن در این مرحله و پیروی از آموزش‌های آن، انسان از نظر درون یا اندیشه و برون یا جسم پاک می‌شود و به سوی خوشبختی و آسایش و سربلندی پیش می‌رود. صفت اشویی از بزرگترین صفات اخلاقی است به طوری که به کسی که راستکار و درست‌کردار باشد **اشون** یا **اشو** گفته می‌شود. صفتی است که اشوزرتشت از آن بهره‌مند است و آن را بهره کسانی می‌داند که از راستی پیروی کنند.

## زرتشتیان به راستی و درستی در جهان مشهور هستند

زرتشتیان در جهان به راستی و درستی مشهور هستند به طوری‌که حتی پیروان دین‌های دیگر نیز بر این باورند و زرتشتیان را به راستگویی می‌شناسند. نام نیک اشوزرتشت و پیروان راستین او از راستی و خردمندی در جهان گسترده شده است.

هر زرتشتی که پیرو آیین اشا باشد هیچگاه در زندگی، دروغ و ریا را دنبال نخواهد کرد. تا جایی که بتواند با دروغ و دروغکاری به مبارزه برمی‌خیزد. به طوری که در آیین زرتشتی سفارش شده که پیرو راستی باشیم و از درگونت یا دروغکار که بدترین دشمن اهورامزدا بوده و برای جهان زیان و بدبختی به بار خواهد آورد ، دوری کنیم.

**اشوزرتشت در گات ها مي‌فرمايد: «تا جايي كه توان دارم به همه راستي مي‌آموزم»**

بنابراین وظیفه هر فرد زرتشتی است که راستی و حقیقت را در جهان گسترش دهد. در گاتها سرودهای اشوزرتشت داریم: «کسی که در اندیشه و گفتار و کردارنیک و ایمان خویش به راستی روی آورد، اهورامزدا به چنین کسی شهریاری اهورایی ارزانی می‌دارد.»

و بار دیگر اشوزرتشت در گات ها می‌فرماید:

یَوَت ایسایی تواچا – اَوَت خسایی اَاِشه اَشَهیا

***تا جایی که توان دارم به همه راستی را می‌آموزم، پس وظیفه هر فرد زرتشتی است که همراه پیامبر راستین خود، راستی و حقیقت را در جهان گسترش دهد و همگانی نماید تا اینکه همه مردم با همیاری برای از بین بردن بدی و دروغ به پا خیزند.***

**ما بايد با از خودگذشتگي و فداكاري از راستي و اصول دين زرتشتي دفاع كنيم**

راستی در آرمان زرتشتی ستوده‌ترین، بهترین و پایدارترین فروزه و صفت آدمی است و کسی روان سالم خواهد داشت که از راستی پیروی کند. یک فرد زرتشتی با عشق، علاقه و اعتقاد به اشا و اصول دین و آیین خود، باید در همه کارهای زندگی‌اش راستی را فراراه خود قرار دهد و به شدت از دروغ بپرهیزد.

**آیا می‌دانید :**

۱- آتش مقدس زرتشتیان نماد راستی و پاکی است و همواره در آتشکده ها فروزان نگاه داشته می‌شود تا با دیدن آن راستی و اشویی را در دل خود زنده نماییم؟

۲- زیبایی همان راستی در طبیعت و نظم همان راستی در زندگی ما است و ما باید زشتی‌ها را پاک کنیم و پلیدی‌ها را از زندگی بزداییم تا جهان و زندگی ما زیبا و پاکیزه باشد؟

**بیشتر بدانیم :**

داریوش بزرگ در کتیبه خود یک اندرز جاودانی به همه بشر داده و می‌گوید: «هر کس بخواهد بنای آزادی و استقلال کشورش و سعادت ملتش بر پایه محکمی استوار باشد، باید دروغ را از مرز و بوم خود براند و راستی و درستی را در آن استوار سازد».

**پرسش :**

۱ - «آشا» به چه معنی است؟

۲- جمله اوستایی «راه در جهان یکی است و آن آشا است» را بنویسید.

۳- واژه‌ی اوستایی امشاسپند اردیبهشت چیست و به چه معنی است؟

۴- نتیجه پیروی از امشاسپند اردیبهشت را بنویسید.

۵- «اشون» یا «اشو» به چه کسی گفته می‌شود؟

۶- وظیفه هر زرتشتی در مورد راستی چیست؟

۷- اهورامزدا به چه کسی شهریاری اهورایی ارزانی می‌دارد؟

# درس یازدهم
# کتاب مقدس اوستا

## اوستا کتاب مقدس دین زرتشتی

همه می‌دانیم کتاب دینی ما زرتشتیان اوستا نام دارد. اوستا یک زبانی است که در گذشته‌ای دور ایرانیان شمالی با آن سخن می‌گفتند و اوستا تنها نوشته‌ای است که از آن دوران باقی مانده و زبان اوستا نام خود را از نام همین نوشته‌های اوستایی گرفته است، به غیر از کتاب اوستا و آثار وابسته به آن، هیچ نوشته‌ی دیگری به این زبان نیست. زبان اوستایی یک زبان باستانی و خط کتاب اوستا به دین دبیره است.

## گاتها سرودهای اشوزرتشت در اوستای مقدس جای دارد

اوستا مجموعه‌ای از نیایش‌ها، ستایش‌ها و آموزش‌های دینی است. در زمان‌های بسیار قدیم نوشتن آثار دینی و ادبی چندان رایج نبود، برای همین ایرانیان صدها سال آثار دینی کهن مانند یشت‌ها را شفاهی و سینه به سینه به فرزندان خود می‌آموختند، یا آنها را نقل می‌کردند. در زمان اشوزرتشت کل اوستا گردآوری گردید و بر روی ۲۱ هزار پوست گاو به خط زرین نگاشته شد و گاتها سرودهای اشوزرتشت نیز در آن جای گرفت. نیز در آن جای گرفت.

در روزگار پادشاهی ساسانی چون زبان گفتاری و نوشتاری تغییر کرده بود، موبدان اوستا را به زبان آن روز ترجمه و تفسیر نمودند و به نوشتار درآوردند. به ترجمه و تفسیر اوستا در دوره ساسانی، زند می‌گوییم.

## حفظ و نگهداری اوستا توسط زرتشتیان

در روزگار گذشته نگهداری کتاب اوستا نزد زرتشتیان بسیار ارزشمند بود؛ آنها برای نوشتن آن رنج‌های زیادی می‌کشیدند و از روی کتاب‌های قدیمی تر رونویس می کردند. از سرگذشت اوستا بعد از گشتاسب کیانی تا هخامنشیان آگاهی زیادی در دست نیست. می‌دانیم که بین شاهان هخامنشی اوستا دارای ارزش و اهمیت زیاد بود. در این زمان دو نسخه بزرگ اوستا در دو جایگاه دینی نگه‌داری می‌شد. یکی «گنج شپیگان» در آذربایجان و دیگری «دژنبشتک» در فارس. گنج شپیگان همان کتابخانه شیز و دژنبشتک همان کتابخانه فارس است.

## در طول تاریخ چندین بار اوستا به دست دشمنان ایران به تاراج رفت

پابرجایی اوستا تا حمله اسکندر ادامه داشت. هنگامی که اسکندر به ایران حمله کرد، دژنبشتک را که در فارس قرار داشت، آتش زد و به این ترتیب یک نسخه اوستا از بین رفت. نسخه‌های دیگر که در گنج شپیگان بود، به دست یونانیان افتاد و چون به ارزش آن پی‌بردند، به دستور اسکندر به یونانی ترجمه گردید. اوستای شپیگان شامل بسیاری از علوم معروف آن دوره مانند ادبیات، نجوم، اصول دینی، قوانین اجتماعی، پزشکی، گیاه‌شناسی بود.

در یورش تازیان به سرزمین ما ایران، نسخه‌های بسیاری از اوستا همراه با کتاب‌های دیگر به دستور سرداران جاهل و بی‌دانش سوزانده یا پراکنده شد.

## زرتشتیان با عشق و علاقه کتاب‌های اوستا را نگهداری کردند

چه زرتشتیانی که در ایران ماندند و چه آن‌هایی که به هندوستان رفتند، برای نگهداری از اوستا و آیین خود با سختی بسیار تاب آوردند و چه بسا در این راه جان خود را از دست دادند.

در روزگار بسیار بد و سختی پس از یورش تازیان، بسیاری از زرتشتیان کتاب‌های اوستا را به همراه خود برداشتند، از ایران فرار کردند و خود را به هندوستان رساندند.

بسیاری از زرتشتیان به دلیل نگهداشتن اوستا جان خود را از دست دادند و به دست بدخواهان کشته شدند.

## نسخه برداری از اوستا

از یاد نبریم «اوستا» یادگار رنج های توان فرسای موبدانی است که آن را سینه به سینه به فرزندان خود آموختند و برای جاودانگی آن بارها اوستا را رونویسی کردند. از این موبدان بزرگ می‌توان از میترو آبان و رستم سیاوخش نام برد.

موبدان در زیر نور ماه یا چراغ های روغنی کم سو، به دور از چشم دشمنان، با وسایل نوشتاری آن روزها اوستا را رونویسی می‌کردند تا نوشته های اوستا و آموزش‌های اشوزرتشت جاودان بماند. اوستاهای بازمانده از آن دوران با خط بسیار زیبا نوشته شده و امروز در موزه ها و دانشگاه‌های اروپا و در کتابخانه‌های هند نگهداری می‌شود.

اگر علاقه و عشق بهدینان به اوستا و دین خود علاقه و عشق نداشتند، شاید امروز دیگر اثری از زرتشتیان در دنیا نمی‌بود.

## حدود یک چهارم از اوستای روزگار باستان باقی مانده است

افسوس که اوستای به جا مانده تنها یک چهارم از اوستای دوره ساسانی است. «اوستا» روزگار بسیار دشواری را تاب آورده است. در گذر زمان «اوستا» به دست دشمنان یعنی کسانی که خوی اهریمنی داشتند، به تاراج رفته است.

اوستای به جا مانده شامل پنج کتاب است: یسنا، یشت‌ها، ویسپَرَد، خرده اوستا و وَندیداد. گات ها که به آن گاهان نیز می‌گویند در دل یسنا جای دارد و از سخنان پاک اشوزرتشت است. به گفته روانشاد موبد فیروز آذرگشسب، گات ها چون نگینی در میان یسنا قرار دارد و اندیشه های گوهرباری است که همچنان در جهان می‌درخشد.

## حفظ و نگهداری متون مقدس اوستا

جای بسی شادمانی است که زرتشتیان با عشق و علاقه به دین و آیین زرتشتی، در هر شرایط سخت تاریخی و هر پیشامدی، چه در زمان یورش اسکندر مقدونی و تازیان و چه هنگام یورش مغولان، با دل و جان از کتاب مقدس اوستا نگهداری کردند، و دین و آیین، جشن‌ها و آیین‌های خود را پاس داشته‌اند تا به امروز که به دست ما رسیده است.

**آیا می‌دانید که :**

۱- تاریخ نویسان ایران اسلامی، مانند مسعودی و طبری که در سده دهم میلادی می‌زیسته‌اند، می‌نویسند که متون زرتشتی به روی دوازده هزار پوست گاو نوشته شده بود.

۲- در دوره‌ی صفوی بسیاری از زرتشتیان قتل عام شدند ولی بازماندگان آنها که به شهرهای دیگر مانند یزد و کرمان فرار کردند، نسخه هایی از اوستا را با خود بردند و همچنان از آنها نگهداری کردند.

**آشنایی بیشتر :**

بنا به نوشته‌های دینکرد، که اصل آن به زبان پهلوی نوشته شده است، به دستور شاه گشتاسب، سرودهای مقدس اوستا را در دو نسخه اساسی فراهم آوردند؛ یکی را در خزانه شاهی (گنج شپیگان) و دیگری را در بایگانی شاهی (دژ نبشتک) نگاهداری می‌کردند. در یورش اسکندر در سال ۳۳۰ پیش از میلاد، نسخه نگاهداری شده در فارس در آتش سوزی تخت جمشید از میان رفت و نسخه دیگر به دست یونانیان افتاد که به یونان بردند و از آن بهره‌های فراوان بردند.

اوستای ساسانی در ۲۱ فصل یا نسک گردآوری و تدوین گردید. این ۲۱ نسک شامل ادبیات، پزشکی و دستورهای دینی بود و از روی موضوع و مطالبی که در این نسک‌ها مورد بررسی و گفت و گو قرار گرفته به سه بخش تقسیم می‌شوند. ۱- گاسانیک ۲- هاتک مان سریک ۳- داتیک

**پرسش :**

۱- اوستا چه مجموعه‌ای است؟

۲- موبدان در زمان ساسانیان اوستا را چگونه تفسیر کردند؟

۳- در یورش اسکندر مقدونی و تازیان اوستا به چه سرنوشتی دچار گردید؟

۴- اوستای امروز شامل چند کتاب است؟ آنها را نام ببرید.

۵- چه چیز باعث شد که تا امروز اوستا به جا بماند؟

۶- گاتها سرودهای اشوزرتشت در کدام بخش از اوستا جای دارد؟

# درس دوازدهم
# اشویی و پاکیزگی

## سرچشمه‌ی رفتار آدمی

تمام نیک‌اندیشی‌ها و نیک‌گفتاری‌ها و نیک کرداری‌های آدمی از اشویی سرچشمه می‌گیرد. اشویی پایه‌ی اصلی و بنیاد واقعی ساختمان دینی و فرهنگی زرتشتی است.

به کار بستن قانون اشا برای هر فردی، از هنگام زایش تا مرگ بایسته است. قانون اشا لازمه‌ی زندگی کامل همراه با تندرستی و شادکامی است.

## اشویی یعنی پاکی و پاکیزگی

نیاکان نامدار ما در ایران کهن به زیور اشویی بطور کامل آراسته بودند. آن‌ها نظافت و پاکیزگی را با تمام وجود مراعات می‌کردند و در عین حال مردمی بودند راستگو، درست کردار و پارسا .

پیروی از قانون اشا به این معنی است که انسان جسم و جان و روان را پیوسته پاک و پالوده نگه‌دارد. در نماز اشم‌وهو می‌خوانیم: «اشویی بهترین نیکی هاست و مایه‌ی خوشبختی انسان است.»

## هر زرتشتی باید پاک و پاکیزه باشد

ارزش و اهمیت پاکی بر همه روشن است. پاکیزگی، سبب تندستی و شادابی انسان می‌گردد. ما نباید چهار عنصری را که پیرامون جای زندگی ما وجود دارد و از آن دیگران نیز استفاده می‌کنند، آلوده نماییم. آدمی باید از هر گونه «نِسا» و «هیرنسا» دور باشد. نسا مرده یا عنصری است که از بدن مرده جدا شود و هیرنسا هر چیزی که از بدن زنده خارج گردد. نسا و هیرنسا ناپاکی‌های محیط زندگی ما هستند و باید با شستن و پاکیزه شدن از بین برده شوند.

## پاکی درون و پاکی برون در دین زرتشتی بایسته است

زرتشتیان امروز هنوز در تمیزی و پاکیزگی بدن و جامه خود می‌کوشند. سراسر خانه و کوچه را با آب و جارو و گردگیری تمیز می‌کنند. آنها هر روز بامداد، مواد خوشبو مانند اسفند و کندر روی آتش می‌گذارند و به دور می‌گردانند که بوی خوش در خانه و اطراف بپیچد و هوای آن محیط پاک و گندزدایی شود .

هنوز زرتشتیان پارسا، لباس کثیف و حتی دست و روی خود را در آب روان نمی‌شویند و آب دهان و دیگر چیزهای ناپاک در آن نمی‌ریزند. زرتشتیان راست می‌گویند و از دروغ گفتن بیزارند. راستگویی هم نوعی پاکی وپاکیزگی است.

یک فرد زرتشتی وظیفه دارد که هر دو جنبه اشویی را رعایت کند. بدین سبب که هم تن و جامه و هم خانه و اطراف خانه و چهار آخشیج (آتش، آب، باد و خاک) را از آلودگی دور نگه دارد و همچنین همه وجودش را با اندیشه و گفتار و کردار نیک بیاراید.

## پاکی درون یعنی اندیشه و گفتار و کردار پاک یا نیک

اشویی دو جنبه دارد که عبارت است از اشویی برون و اشویی درون. اشویی درون عبارت است از اشویی در اندیشه و گفتار و کردار که سه واژه اوستایی آن هومت و هوخت و هورشت است. پاکی درون از اصول دین زرتشتی است یعنی هر فرد زرتشتی باید باطن خود را با اندیشه و گفتار و کردار نیک پاک و پرنور نگهدارد.

در جهان امروز بسیاری از اقوام و ملل با فرهنگ های گوناگون زندگی می‌کنند. در فرهنگ ایرانی پاکی و پاکیزگی بسیار پیشرفته است، هر کس باید جهان را پاک و سرسبز نگهدارد. روش اکی و پاکیزگی از فرهنگ زرتشتی به بیشتر فرهنگها نفوذ نموده است.

بیشتر اقوام و ملل در جهان امروز با ارتباط با زرتشتیان به روش جهانی پاکی و پاکیزگی یا اشویی پی برده‌اند و آلودگی محیط زیست را کاری زشت می‌دانند.

در جهان امروز همه مردم سعی دارند محیط زیست پاک و برای همگان قابل استفاده باشد. با آلودگی هوا، آب و زمین مبارزه شود. پاکی یکی از رفتارهای مهم دینی و اجتماعی و حتی جهانی است. پس بر زرتشتیان بایسته است که برابر آموزه های دین خود جهان و محیط زیست را پاک و پاکیزه نگهدارند و تمام هستی را که از چهار عنصر اصلی است، آلوده نسازند و پاکی و پاکیزگی مایه زیبایی و سلامتی جهان هستی است.

## ما باید رفتارهای دین زرتشتی را هر چه بهتر به جهانیان بشناسانیم

اشوزرتشت پیامبر، پیروی از اشا و مخالفت با ناپاکی و نادرستی را وظیفه‌ی پیروان خود قرار داده و تاکید می‌فرماید که خداوند انسان را برای پیشبرد نیکی در این جهان خلق کرده است تا سرانجام با کوشش خود و پیروی از قانون اشا یعنی راستی و پاکی، به دست خود رستاخیزی در جهان پدید آورد. این است بزرگترین و بالاترین وظیفه او در دین.

**آیا می‌دانید که :**

پاکیزگی برای انسان از هنگام زایش تا مرگ، بهترین نعمت است. و اوستایی آن : «یوژدا مشیایه چی زاتِم وَهیشتا» است.

**آشنایی بیشتر :**

اشوزرتشت در یسنای ۳۱ هات ۸ می‌فرماید:

***«ای مزدا همین که تو را با دیده دل نگریستم، در اندیشه خود دریافتم که تویی سرآغاز و سرانجام، تویی سرچشمه منش پاک، تویی آفریننده راستی و پاکی، تویی داور دادگر همه‌ی کردار مردمان جهان.»***

**پرسش :**

۱- نیک‌اندیشی‌ها و نیک‌گفتاری‌ها و نیک کرداری‌های آدمی از چه چیزی سرچشمه می‌گیرد؟

۲- پیروی از قانون اشا به چه معنی است؟

۳- اشویی چند جنبه دارد؟ نام ببرید.

۴- سه واژه اوستایی اندیشه نیک و گفتار نیک و کردار نیک را بنویسید؟

۵- اشوزرتشت چه کاری را وظیفه‌ی همه پیروان خود قرار داده؟

# درس سیزدهم
# آیین جَشَن‌خوانی

## آیین‌های مذهبی

آیین مذهبی در بین زرتشتیان ارزش فراوان دارد و با توجه به اهمیت خرد و خردورزی در دین ما، هیچ کار و آیینی نیست که بدون هدف و تهی از خرد انجام شود.

با توجه به مطالبی که در درس های گذشته خواندیم و آموختیم که آیین‌های دین زرتشتی به منظور همازوری و هم پیوند شدن بیشتر زرتشتیان است و همان طوری که ما زرتشتیان در آیین های دینی یکپارچه و همازور هستیم در دیگر کارها نیز بایستی به یاری و همازوری دیگر هموندان بشتابیم.

## اوستای جَشَن چیست

اوستای جَشَن قسمتی از سرودهای خرده اوستا می باشد که بیشتر در آیین شادمانی، داد و دهش (گهنبارها) و آیین درگذشتگان سروده می‌شود. به قسمتی از این اوستا و معنی آن توجه کنید :

***همازور بید، همازور هما اشوبید، همازور همانیکه بید، همازور هما فرخ بید، همازور همیشه شاد و خرم و رامشن فیروزگر بید، همازور کم وناه بید، همازور ویش کرفه بید.***

***یعنی : با هم همبسته باشید، با همه اشوان و پاکان همبسته باشید، با همه نیکوکاران همبسته باشید، با همه فرخندگان همبسته باشید، همبسته و همیشه شاد و خرم و خوشحال و پیروز باشید، همازور و کم گناه باشید، همازور و ثوابکار باشید.***

## آیین جشن‌خوانی برای چه برگزار می‌شود

اوستای جَشَن‌خوانی عبارتست از اوستای آفرینگان دهمان و اوستای همازور دهمان و اوستای برساد.

برای ایجاد و افزایش همازوری و یگانگی در بین مردم، پیشکش ستایش و درود به اهورامزدا و ایزدان، آرزوی شادی و رامش، روشنی و تندرستی و بخشش‌های نیک اهورائی اجرا می‌شود. همراه با برگزاری آیین جشن‌خوانی پیوند میان موبدان، زنان و مردان و جوانان نیرو می‌گیرد و شکوهمندانه در یادها و خاطره ها باقی می‌ماند.

## جَشَن خوانی

در گهنبارها، جشن‌ها و آیین‌های درگذشتگان که جشن‌خوانی می‌شود، همه افراد زرتشتی می‌توانند حضور داشته باشند و این آیین باشکوه را همراه با موبدان برگزار نمایند. حتی دوستان و همسایگان غیرزرتشتی نیز می‌توانند به این آیین دعوت شوند.

به یاد داشته باشید همه باید پاک و با لباسی آراسته و تمیز و با همراه داشتن سدره و کشتی در آیین‌ها شرکت کنیم.

**نقش موبدان در این آیین چیست**

موبدان در آیین‌ها با سرایش سروده‌های آفرینگان که بخشی از آن را همازور دهمان شامل می‌شود، نقش مهم خود را ایفا کرده و همازوری افراد حاضر در جمع را با اهورامزدا و امشاسپندان اعلام می‌نمایند. همچنین برای ما آرزوی زندگی دراز، درست زیستن، شاد زیستن و برای درگذشتگان طلب آمرزش و آسایش روان می‌نمایند. با ورود موبدان همگی بر پا می‌خیزند و تا پایان سرایش آفرینگان همگی ساکت می‌نشینند و هیچکس چیزی نمی‌خورد. در هنگام سرایش اوستا باید به آورای مانترایی آفرینگان و همازور گوش دهیم و دل بسپاریم تا سخن مانترا در ما تأثیر نماید. همچنین باید اندرزهای همازور دهمان را بیاموزیم.

**نقش دهموبد در این آیین چیست**

دهموبد که دستیار موبد به جساب می‌آید، ارتباط بین موبدان، مردم و نمادهای آیینی را عهده‌دار است. دهموبد در این آیین نقش هماهنگی با موبد را دارد و شرکت‌کنندگان هم در موقع سروده شدن واژه‌های همازور پس از تکرار آن توسط دهموبد، دو دست خود را افراشته و به صورت خود می‌کشد یعنی این نماز را به سر و چشم می‌بوسند و قبول می‌کنند. در هنگام گفتن واژه «آفرینامه» در اوستای آفرینگان، با اعلام دهموبد انگشت نشانه را بلند می‌کنند به نشانه این که خدا یکی است و در هنگام گفتن کلمه «ویسفو خاترم»، انگشت میانی و انگشت نشانه همزمان بالا نگه داشته می‌شوند. افراشتن انگشت دوم به نشانه رهبری اشوزرتشت است.

**حاضران در آیین چه می کنند**

در آیین همازور آتش نقش مهمی دارد و مجمر آتش در ابتدای آیین با بوی خوش محیط را عطرآگین می‌کند. چقدر زیباست زمانی که مجمر آتش توسط دهموبد در بین حاضرین گردانیده می‌شود و هر کس با گفتن «مس و وه و پیروزگر باد دین پاک دادار اورمزد» هم پیوندی خود را با دین زرتشتی و باورهای آن نشان می‌دهند.

هنگام آمدن موبدان همه حاضران باید به پا خیزند و همگی سر را بپوشانند در ضمن، هنگام به حرکت درآوردن مجمر آتش همازوری و هم پیمانی و همازور بودن خود را اعلام کنند و پس از به اتمام رسیدن سرایش اوستا، همه ی حاضران در آیین باید ۲۱ بار سرود یتا اهو و ۱۳ بار سرود اشم وهو را بخوانند زیرا یتااهو، ۲۱ واژه و اشم وهو، ۱۳ واژه دارد. و این دو سرود از نیرومندترین مانتراها برای پاکی و سلامتی است. آخر هر اوستا نیز یک اشم وهو خوانده می‌شود تا با موبدان و دیگر همودان همازور شوند و از این آیین باشکوه بهره مند گردند.

پس از سرایش اوستا و گردانیدن مجمر آتش و سرودن سرودهای یتا اهو و اشم وهو در پایان، آیین دهموبد لرک و میوه های تازه بریده شده را بین مردم پخش می‌کند و همگی از آن می‌خورند یا برای خیر و برکت و هم بهره شدن به خانه می‌برند.

## احترام به پدیده های طبیعی جهان به چه منظور است

یکی دیگر از کارهای پسندیده در آیین دینی ما زرتشتیان احترام به پدیده‌های طبیعی است زیرا با این کار هم به امشاسپندان و ایزدان احترام گذاشته ایم و هم با آوردن نشانه‌هایی از آن‌ها در سفره ی آیینی، آنها را یاد کرده‌ایم تا از اهورامزدا به خاطر این بخشش ها سپاسگزار باشیم، فراوانی و بخشش نعمتها افزون گردد و ما انسان ها از آنها بهره مند شویم.

آیین جشن‌خوانی یک آیین اندیشه‌ای است ولی جشن عروسی می‌تواند همراه با شادی و پای‌کوبی باشد بدین معنی که آیین جشن خوانی بیشتر مانترایی یعنی برانگیزاننده فکر و اندیشه انسان است در حالی که در جشن عروسی مراسم و آیین‌های شادمانه روح و جسم را به تحرک وادار می‌سازد.

**آیا می‌دانید که :**

کلمه «نماز» اوستایی است و از ریشه «نَم» به معنی «خم شدن و احترام کردن» آمده است.

آفرینگان به نیایش و ستودن برگردانده می‌شود. دَهمان جمع دَهمَ است به معنی پارسا و نیک و آزموده در امر دین. آفرینگان دهمان یعنی ستایش برای همه نیکان و پارسایان.

**بیشتر بدانیم :**

«آفرینگان دهمان» را در آیین روز چهارم و دهم و سی‌ام و سر سال درگذشتگان می‌خوانند. بر حسب معمول مقدمه‌یی به پازند، در سر این نماز آورده شده که آشکار است تازه و جدید می‌باشد.

**پرسش :**

۱- آیین جشن‌خوانی به چه منظوری برگزار می‌شود؟

۲- اوستای جشن‌خوانی در کدام آیین ها سروده می‌شود؟

۳- سه مورد از هدفهای برگزاری آیین جشن خوانی چیست؟

۴- نقش موبدان در این آیین چیست؟

۵- کار دهموبدان در این آیین چیست؟

۶- کدام جمله را برای هم‌پیوندی خود با دین زرتشتی می‌خوانند؟

۷- چرا زرتشتیان به پدیده های طبیعی احترام می‌گذارند؟

۸- چرا ۲۱ یتااهو و ۱۳ اشم وهو در پایان جشن خوانی می‌خوانند؟

# درس چهاردهم
# جشن تیرگان، جشن پیروزی ایرانیان

**آرش از پدر بزرگ درباره آغاز جشن تیرگان پرسش می‌کند**

آرش ۱۱ سال دارد. او هنگام خواندن اوستای برساد متوجه می‌شود که امروز تیر ایزد و تیرماه برابر با جشن تیرگان است. دهم تیرماه به نام تیر یا تشتر نامیده می‌شود. آرش پس از خواندن اوستا به اتاق مطالعه پدر بزرگش نریمان می‌رود و در مورد پیدایش جشن تیرگان پرسش می‌کند.

نریمان چنین پاسخ می‌دهد:

جشن تیرگان یکی از جشن‌های بزرگ ایرانیان و جشن پیروزی است. در دوران منوچهر پادشاه پیشدادی، افراسیاب تورانی به ایران می‌تازد و بخش های بسیاری از کشور ایران را می‌گیرد و یا محاصره می‌کند. اما او در این کار با دشواری های بسیار به خصوص از خودگذشتگی‌های ایرانیان روبرو می‌شود.

منوچهر به او پیشنهاد می‌کند که تیراندازی از ایران از چکاد کوه البرز تیری بیندازد و هر کجا که تیر به زمین نشست آنجا مرز ایران و توران شود. با این فداکاری آرش، ایرانیان از جنگ رهایی یافته و این خاطره را هر ساله جشن می‌گیرند.

**پدر بزرگ از زیرزمین یک تیر و کمان قدیمی به آرش نشان می‌دهد**

در این هنگام پدر بزرگ دست آرش را می‌گیرد و به سمت زیرزمین خانه می‌روند. او تیر و کمانی را که به دیوار آویخته است، به آرش نشان می‌دهد و می‌گوید:

«از نیاکانم برای من باقی مانده است و اکنون از آن توست.»

پدر بزرگ ادامه می‌دهد: «چون افراسیاب می‌پنداشت که تیر راه چندانی نخواهد پیمود، پس موافقت کرد که چنین شود. آرش تیرانداز ورزیده و زبردست ایرانی سحرگاهان از کوه بالا رفت و از قله دماوند با تمام توان خویش کمان را کشید. چون تیر رها گشت، جان آرش نیز همراه تیر شد.

تیر از برآمدن خورشید تا نیمروز در حرکت بود و به هنگام ظهر بر کنار رود جیحون بر تنه درخت گردویی نشست.»

نریمان سلاح باستانی را از روی دیوار بر می دارد به دستان کوچک آرش می‌دهد و می‌گوید:

«ای رادمرد به وسیله یک تکه دنبه گوسفند آن را چرب و شفاف کن تا دگر باره جلوه و زیبایی یابد.»

**روز جشن تیرگان همه مردم در میدان بزرگ شهر گرد می‌آیند**

نریمان در ادامه می‌افزاید:

«بنا به روایت دیگر در زمان ساسانیان هفت سال تمام قطره ای باران از آسمان به زمین نبارید و بسیاری در اثر خشکسالی و قحطی جان سپردند. پس از هفت سال در روز تیر ایزد و تیرماه ابرها آسمان را پوشاندند و پس از اندک زمانی قطرات باران زمین خشک و تشنه را آبیاری کرد. مردم از آمدن باران چنان خوشحال شدند که دست سپاس به درگاه اهورامزدا بلند کردند و از فرط شادی به هم آب پاشیدند که بدان مناسبت جشن تیرگان را جشن آبریزان نیز می‌گویند.»

پدر بزرگ به آرش می‌گوید که برای رفتن و برگزاری جشن خود را آماده کند تا به همراه دیگر اهل خانواده به میدان بزرگ که محل برگزاری جشن است، بروند.

**سفره‌هایی مزین به نان تنوری و میوه های تازه**

در جلو آتشکده خوان های بزرگی روی تالار بیرونی پهن شده است. گل ها و سروهای زیبایی روی سفره دیده می‌شود. چون در دوران جنگ و در دوران خشکسالی و قحطی مردم با کمبود خوراکی و آذوقه روبرو بودند، بنابراین به سپاس از داده‌های اهورایی در سر سفره جشنها، لرک و نان و میوه را که هر یک نمادی از آفرینش است، می‌گذارند و بر آن اوستا می‌خوانند سپس خوراکی‌های تبرک شده را میان مردم تقسیم می‌کنند.

**آرش به همراه پدر بزرگ ساعت ۱۰ بامداد به آتشکده می‌رود**

آرش تیر و کمان براق شده را با دست های کوچک و ظریفش گرفته و آماده رفتن است. پدر بزرگ نیز که لباس آبی آسمانی به تن دارد و کفشِ کوه به پا کرده است، به همراه آرش به سمت آتشکده روان می‌شود.

نریمان در جوانی تیرانداز زبردستی بوده است. اینک به یاد و خاطره‌ی آرش کمانگیر در افکار مردم و بزرگداشت او، لباس مناسب آن جشن را به تن کرده است. پدر بزرگ در روز جشن تیرگان، نمادی از آرش کمانگیر است.

**آرش و پدربزرگ روی سکوی کنار آتشکده می نشینند**

پس از ورود آرش و نریمان به میدان بزرگ آنها به سمت آتشکده می‌روند و بر سکوی نمایش می‌نشینند. آرش به رسم یادبود رشته‌های تیر و باد که مادر بزرگ از نخ ابریشم بافته است، به شرکت کنندگان هدیه می‌دهد تا امروز که تیر ایزد است به دست ببندند و روز باد ایزد و تیرماه از دست باز کنند و به باد دهند.

با ورود موبدان به میدان همه مردم به پا می‌خیزند و در سکوت مردم، به یکباره گروه موسیقی سرود حماسی می نوازد. آرش احساس شادمانی و نیرومندی می‌کند. او به سرزمین ایران عشق می‌ورزد و دشمنان تورانی را خوار و کوچک می‌شمارد.

موبدان پس از نواخته شدن سرود حماسی به خواندن اوستای بایسته پرداخته و جمله اوستایی **"تشتریم ستارم ریونتم خره ننگهنتم یزه میده"** را با صدای بلند سه بار با همراهی حاضرین، تکرار می‌کنند. سپس اوستای برساد با برخواستن همه مردم خوانده می‌شود. در هنگام سرودن **«به خشنودی مینوی خرداد و تشتر و باد و فروردین»** همه مردم سرها را به سمت آسمان بالا می‌گیرند. موبدان لختی ساکت می‌شوند و آرش سینه‌هایش را از هوای پاک و خوشبوی آتشکده پر می‌کند. پدربزرگ دستان آرش را در دست می‌فشارد و اوستا ادامه می‌یابد.

**زنان و جوانان با کاسه های آب و شاخه گل و شمشاد قطرات آب را به روی حاضران می پاشند**

دهموبدان به همه نان و لرگ می‌دهند و جوانان سینی های میوه تازه را بین مردم می‌گردانند. چه زیبا همگی به پایان جشن رسیده‌اند. البته در پسین دید و بازدید و سور و جشن در خانواده‌ها برقرار خواهد بود. در این زمان مردم به یاد و سپاس روز بارش باران پس از هفت سال خشکسالی و به

پاس تیر ایزد یا تشتر که ایزد فراوانی باران است به زیارت آتشکده می‌روند. آرش تیر و کمان را به کنار در آتشکده آویزان می‌کند و به درون می‌رود. شعله های آتش پیروزی در آتشکده فروزان است و او را شادمان می‌کند. آرش و پدر بزرگ پس از زیارت آتش و پیروزی به بیرون می‌آیند. زنان و جوانان لباسهای سنتی و زیبای خود را به تن کرده اند. آنان شاخه های گل و شمشاد و کاج را که به آب پاک آغشته است، به روی شرکت کنندگان می‌پاشند. آب نشانه روشنی، پاکی و زیبایی است و همه با پاشیدن آب به هم لبخندی می‌زنند و فریاد شادمانی‌شان به آسمان و به ابرها می‌رسد.

**آیا می‌دانید که :**

اوستای تیریشت در وصف ایزد «تشتر» است؟ در این یشت کهن و حماسی، ایزد تشتر به صورت اسب سپید در می‌آید با گرز زرین به سر و دیو خشکسالی یا آپوش که به صورت اسب سیاهی درآمده است می‌کوبد و از سر اپوش آذرخش تولید می‌شود.

**بیشتر بدانیم :**

تیر که واژه اوستایی آن «تشتریَه» Tishtrya است. ستاره‌ای است نورانی که کلیه اوستاشناسان آن را به سیاره سیریوس Sirius ربط داده‌اند و در فرهنگ‌ها به نام ستاره باران نوشته شده است. این ستاره را به عربی «شعری یمانی» می‌گویند و نباید آنرا با ستاره عطارد یکی دانست.

**پرسش :**

۱- فلسفه برگزاری جشن تیرگان چیست؟

۲- رشته‌های تیر و باد چیست؟

۳- چه جمله اوستایی را در جشن تیرگان تکرار می‌کنند؟

۴- به یاد دوران خشکسالی و قحطی، آیین جشن تیرگان چگونه برگزار می‌شود؟

۵- چرا در سر سفره جشن ها، لرک و نان و میوه می‌گذرانند؟